

تحلیل تطبیقی علل جنگ عراق با ایران: رویکرد چندسطحی بر اساس دیدگاه‌های ایرانی، عراقی و غربی سیدهادی زرقانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷

چکیده:

این پژوهش با رویکرد «تحلیل محتوای ترکیبی» (کیفی و کمی) به شناسایی، طبقه‌بندی و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آغاز جنگ ایران و عراق پرداخته و دیدگاه‌های پژوهشگران ایرانی، عراقی و غربی، شامل مقامات سیاسی، فرماندهان نظامی و محققان دانشگاهی را مقایسه کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنگ نتیجه برهم‌کنش ۱۸ مؤلفه چندسطحی شامل عوامل سرزمینی، ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیک، امنیتی، روانی و بین‌المللی بوده است. تحلیل تطبیقی بیانگر تفاوت اولویت‌هاست؛ ایرانی‌ها بیشترین تأکید را بر «کسب رهبری عراق بر منطقه و جهان عرب» و «تقابل ایران و آمریکا» دارند، عراقی‌ها بر «ضعف ساختاری ایران» و «امکان سقوط یا تضعیف نظام انقلابی»، و غربی‌ها بر «تهدید بقای صدام و حزب بعث» و «تقابل ایدئولوژیک نظام‌ها» تمرکز کرده‌اند. با این حال، عواملی چون «رهبری منطقه و جهان عرب»، «تنگنای ژئوپلیتیکی عراق»، «تهدید بقای صدام و حزب بعث» و «تقابل ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی» در هر سه گروه بیشترین ضریب تأثیر را داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد جنگ ایران و عراق حاصل تعامل پیچیده محاسبات فردی رهبران، تضادهای ایدئولوژیک، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ملاحظات قدرت‌های بین‌المللی بوده و بر ضرورت دیپلماسی پیشگیرانه و مدیریت فعال تنش‌ها برای جلوگیری از منازعات مشابه تأکید دارد.

واژگان اصلی: جنگ تحمیلی، عراق، ایران، علل، ژئوپلیتیک، امنیت.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

مقدمه

منازعه و جنگ، پدیده‌هایی ذاتی در تاریخ بشر بوده‌اند که اساس ریشه در تضاد منافع، ارزش‌ها و قدرت دارند. منازعه از اختلافات دیدگاهی در مقیاس خرد فردی آغاز شده و تا سطح کلان کشورها گسترش می‌یابد و حتی به صورت رقابت‌هایی بر سر نفوذ جهانی میان بلوک‌های بزرگ قدرت نیز رخ می‌دهد (مویر، ۱۳۷۹: ۹). در این میان، جنگ بین کشورها به دلیل گستردگی جغرافیایی و پیامدهای عمیق انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از منازعات تاثیرگذار در تاریخ معاصر، جنگ عراق با ایران است که در شهریور ۱۳۵۹ (سپتامبر ۱۹۸۰) با حمله نظامی رژیم بعث عراق به ایران آغاز شد و هشت سال به طول انجامید. این جنگ علاوه بر ویرانی و تلفات گسترده، تغییرات ژئوپلیتیکی عمیقی را در منطقه نیز به دنبال داشت. از اینرو با وجود گذشت بیش از چهار دهه، علت، ریشه‌ها و پیامدهای آن همچنان موضوع بحث و پرسش‌های فراوان پژوهشی است.

تصمیم عراق برای آغاز جنگ علیه ایران در سال ۱۹۸۰ میلادی، یک تصمیم ناگهانی نبود بلکه محصول فرآیند پیچیده‌ای از متغیرهای چندسطحی بوده است که در پژوهش‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته‌اند. تحلیل‌های موجود در این زمینه، به دلیل تنوع رویکردهای نظری و تفاوت در دسترسی به منابع اولیه، به نتایج متمایزی منجر شده‌اند. بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که تفسیرهای ارائه شده توسط بازیگران مختلف، تحت تأثیر موقعیت ساختاری، منافع ملی و چارچوب‌های مفهومی متفاوت آنها قرار گرفته است. مقامات دولتی و فرماندهان نظامی دو کشور، متناسب با اولویت‌های منافع ملی، سیاست خارجی و استراتژی‌های امنیتی خود، روایت‌های متمایزی از عوامل مؤثر بر وقوع جنگ ارائه کرده‌اند. پژوهشگران دو کشور نیز تا حدی تحت تأثیر این فضا بوده‌اند. از طرفی دسترسی محققان غربی به آرشیوهای دولت بعث عراق پس از سال ۲۰۰۳، امکان تحلیل دقیق‌تری از فرآیند تصمیم‌گیری بغداد را فراهم آورد. در مجموع همه این مطالعات، طیف گسترده‌ای از عوامل علی را شناسایی کرده‌اند که شامل: انگیزه‌های فردی رهبری (جاه‌طلبی‌های صدام حسین)، مسائل حقوقی بین‌المللی (نقض معاهدات مرزی)، تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی عراق، عوامل روان‌شناختی رهبران، تهدیدات ناشی از انقلاب اسلامی ایران، ساختار نظام بین‌الملل، بی‌ثباتی منطقه‌ای، و خطاهای محاسباتی طرفین می‌باشد. وجود تفاوت‌های اساسی در تبیین علل جنگ، نشان‌دهنده فقدان یک تحلیل یکپارچه و

جامع است که بتواند کلیه متغیرهای مؤثر را در چارچوب نظری منسجمی مورد بررسی قرار دهد. این خلأ تحلیلی، ضرورت تدوین مدلی فراگیر را برای فهم دینامیک‌های پیچیده منجر به وقوع این تعارض نظامی آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر با رویکردی نوآورانه و متفاوت، به دنبال پر کردن این خلأ است. این تحقیق به جای تمرکز بر یک دیدگاه خاص، از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی برای بررسی سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در سه گروه منابع ایرانی، عراقی و غربی استفاده کرده است. این رویکرد به پژوهشگران امکان می‌دهد تا دلایل مطرح شده توسط هر گروه را شناسایی و دسته‌بندی کرده، و تفاوت‌های معنادار میان آن‌ها را مقایسه و واکاوی کنند. این کار به درک عمیق‌تری از ابعاد پیچیده این جنگ کمک می‌کند و عوامل اصلی آن را به صورت علمی و بی‌طرفانه تبیین می‌نماید. این تحقیق نه تنها به درک بهتر یک رویداد تاریخی مهم کمک می‌کند، بلکه با شناسایی ریشه‌های واقعی منازعات، می‌تواند الگویی برای جلوگیری از تکرار فجایع مشابه در آینده باشد. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش فراتر از صرفاً "چرا جنگ آغاز شد" است و به دنبال آن است که چگونه و از چه منظرهایی این رویداد تبیین شده و کدام عوامل از نظر هر یک از طرفین، نقش کلیدی داشته‌اند.

پیشینه:

پژوهش‌های متعددی به زبان فارسی، عربی و انگلیسی در مورد علل و زمینه‌های حمله نظامی عراق بر علیه ایران صورت گرفته است و هر کدام از منظری خاص به بررسی و واکاوی این رویداد پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های مقالات پژوهشی داخلی، جنگ ایران و عراق ریشه در مجموعه‌ای پیچیده از عوامل تاریخی، ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی داشت. رالف کینگ و افریم کارش در پژوهش خود با عنوان «جنگ عراق و ایران و جنگ اول خلیج فارس»^۱ علل جنگ ایران-عراق را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی کردند. آنها بر علل مستقیم تأکید کرده و مداخله ایران در امور عراق، اختلافات مرزی، رقابت‌های قومی-فرهنگی و مسائل شط‌العرب را مهم‌ترین علل دانستند (King & Karsh, 2006: 27). پژوهش لوی و فروئلیچ با عنوان «علل وقوع جنگ عراق با ایران» با مرور پیشینه روابط ایران و عراق، علل جنگ را در چارچوب واقع‌گرایی و توازن قوا تحلیل می‌کند و جاه‌طلبی صدام برای برتری منطقه‌ای، بهره‌گیری

1- The Iran-Iraq War and the First Gulf War

از ضعف نظامی ایران پس از انقلاب، طمع به منابع خوزستان و تغییر قرارداد الجزایر را از عوامل اصلی می‌داند (لوی و فروئلیچ، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۳۲). جروم داناون در پژوهش خود با عنوان «جنگ ایران و عراق، پیشینه‌ها و روند تشدید تعارض»^۱ دلایل جنگ ایران و عراق را بر اساس رویکردی جامع بررسی کرده و عواملی چون اختلافات جغرافیایی و عقیدتی، نقش نخبگان تصمیم‌گیر، تغییر موازنه قدرت و احساس تهدید رژیم بعث از انقلاب ایران را مؤثر می‌داند (داناون، ۱۳۹۶ و Mearsheimer & Walt, 2003). جان استوسینگر نیز در پژوهش خود با عنوان «چرا ملت‌ها اقدام به جنگ می‌کنند؟»^۲ با تأکید بر نقش شخصیت رهبران، اشتباهات محاسباتی صدام را عامل اصلی این جنگ معرفی می‌کند (Stoessinger, 1982).

دیدگاه فرماندهان ارشد نظامی ایران مانند محسن رضایی، علی شمخانی، سیدیحیی صفوی و محمدحسین باقری، غلامعلی رشید، صیاد شیرازی، حبیب‌الله سیاری، معین وزیری، حسنی سعدی و... در قالب مصاحبه‌ها و تاریخ شفاهی منتشر شده است و به عقیده این فرماندهان صدام با سوءاستفاده از تزلزل سیاسی و ضعف نظامی ایران پس از انقلاب، با حمایت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، برای تحقق اهداف جاه‌طلبانه خود نظیر رهبری جهان عرب، لغو قرارداد الجزایر و تصرف خوزستان به ایران حمله کرد. این فرماندهان معتقدند عراق در برآورد توان مردمی و قدرت فرماندهی ایران دچار اشتباه محاسباتی شد (اردستانی، ۱۳۹۲: رضایی، ۱۳۹۰: درودیان، ۱۴۰۰، دهقان، ۱۳۸۷، رشید، ۱۳۸۶). حسین علایی در پژوهش خود با عنوان «بررسی نقش عوامل مؤثر بر بروز جنگ تحمیلی» علل حمله عراق به ایران را در جاه‌طلبی صدام، ضعف پس از انقلاب، افزایش توان نظامی بعث، نگرانی از نفوذ انقلاب، تغییر موازنه منطقه‌ای، تنش‌های تاریخی، و حمایت قدرت‌های جهانی می‌داند (علایی، ۱۳۹۱: ۵-۳۶). محمد درودیان در آثار خود از جمله در پژوهش «پرسش‌های اساسی جنگ» و «سیری در جنگ ایران و عراق»، علل جنگ ایران-عراق را در سه رویکرد تقسیم‌بندی کرده است که عبارتند از: تاریخی-عملیاتی (اختلافات تاریخی و نگرانی از انقلاب اسلامی)، فرهنگی-معنوی (انگیزه‌های اعتقادی رزمندگان)، و سیاسی-انتقادی (انتقاد از تصمیمات سیاسی و شعارهای انقلابی) (درودیان، ۱۳۷۸ و ۱۳۹۱). حسین اردستانی در پژوهش خود تحت عنوان «عوامل تاثیر گذار بر فهم چیستی جنگ عراق و ایران» مهمترین

1- The Iran-Iraq War: Antecedents Conflict Escalation
2- Why Nations Go to War

ریشه‌های جنگ ایران و عراق را در اختلافات تاریخی و مرزی، تغییرات موازنه قدرت، خلأ قدرت پس از سقوط شاه، گرایش بعث به شوروی و رقابت بلوکی، جاه‌طلبی صدام، برتری نظامی عراق، خروج بریتانیا از خلیج فارس و بازگشت ایران به جزایر سه‌گانه، و تهدید ایدئولوژیک انقلاب اسلامی می‌داند (اردستانی، ۱۳۹۴: ۲۰-۵). حسن العلوی، نویسنده و شخصیت سیاسی بعثی نزدیک به صدام، در کتاب «دیوارهای گلین»^۱ با ذکر خاطره‌ای مهم بر قصد قبلی صدام برای حمله به ایران تأکید می‌کند و معتقد است صدام گمان می‌کرد جنگ حداکثر هفت روزه خواهد بود و بختیار را نامزد ریاست دولت جدید در تهران در نظر داشت (ایزدی، ۱۳۹۹: ۲۱ به نقل از العلوی، ۱۹۹۵: ۲۴۰). عبدالحلیم ابوغزاله، وزیر دفاع مصر، در کتاب «جنگ عراق و ایران» این درگیری را «جنگ نیابتی» میان دو کشور مسلمان همسایه دانست که منافع جهانی را تهدید کرد. وی برخلاف دیدگاه کردزمن، جنگ را تقابل فرهنگی-هویت‌ی عرب و فارس می‌داند نه تقابل ایدئولوژیک، و معتقد است صدام از سقوط شاه خود را آماده حمله کرده بود (درویان، ۱۳۸۳: ۸۱؛ ابوغزاله، ۱۳۸۰). حامد الحمدانی، مورخ عراقی، در کتاب «سال‌های جهنمی» یکی از عوامل اصلی موثر بر حمله عراق به ایران را نقش و تشویق ایالات متحده می‌داند و می‌نویسد: «هیئت آمریکایی در اوایل ۱۹۷۹ به بغداد آمد و دو موضوع مطرح کرد: مخالفت با اتحاد عراق-سوریه و خطر ایران پس از انقلاب اسلامی. حسن البکر با پیشنهاد جنگ مخالفت کرد، اما صدام موافقت نمود». الحمدانی معتقد است سیا از جاه‌طلبی صدام برای برافروختن جنگ بهره برد (ایزدی، ۱۳۹۹: ۲۱). فرماندهان ارشد نظامی عراق چون ژنرال مجید الحمدانی، علاءالدین خمس، سرلشکر میسر رشید الطرفه العبدی و سرلشکر علوان حسون علوان العبوسی در مصاحبه‌ها و آثار خود، دلایل اصلی جنگ ایران و عراق شامل فرصت‌طلبی صدام پس از انقلاب، به دلیل تضعیف ارتش و دولت ایران، و نیز جاه‌طلبی او برای تبدیل شدن به رهبر جهان عرب با فتح خوزستان می‌دانستند. همچنین، ادعای تحریک ایران از طریق «صدور انقلاب» و اختلافات مرزی به‌ویژه بر سر اروندرود، از دیگر دلایل مورد اشاره آن‌هاست و برخی از این فرماندهان تأکید می‌کنند که صدام از ماه‌ها قبل، برنامه‌ریزی برای حمله را آغاز کرده بود (وودز و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین سرلشکر

وفیق السامرای، مسئول اطلاعات ارتش عراق، نیز معتقد است صدام حسین قبل از جنگ کمیته‌ای برای برنامه‌ریزی حمله به ایران تشکیل داده بود و مهمترین اهداف وی از جنگ با ایران لغو معاهده الجزایر، تجزیه ایران، الحاق خوزستان و سرنگونی حکومت انقلابی ایران بوده است (السامرای، ۱۳۹۳: ۴۹-۴۸). به عنوان جمع بندی پژوهش های پیشین می توان گفت پژوهش های متعدد فارسی و انگلیسی علل جنگ ایران-عراق را از زوایای مختلف بررسی کرده اند. محققان داخلی همچون ولایتی، محسن رضایی، صفوی، علایی، اردستانی، حسینی، درودیان و قوام بر عواملی چون جاه طلبی صدام، ضعف نظامی ایران پس از انقلاب، اختلافات تاریخی و مرزی، تهدید ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، طمع به منابع خوزستان و حمایت قدرت های جهانی تأکید دارند. محققان خارجی نظیر لوی، فروئلیچ، کینگ، کارش، آسموس، کردزن و واگنر نیز رقابت های فرهنگی-تاریخی عرب و عجم، تنش های مذهبی شیعه-سنی، اختلافات سرزمینی شط العرب، تضاد ایدئولوژیک رهبران و تشکیل اجتماع استراتژیک بین المللی علیه ایران را عوامل اصلی جنگ می دانند. این پژوهش برخلاف پژوهش های گذشته که هر یک از یک زاویه ی خاص به موضوع نگرسته اند، با استفاده از نظریات مقامات سیاسی و فرماندهان ارشد نظامی ایرانی و عراقی و همچنین پژوهش های مستقلی که به زبان فارسی، عربی و انگلیسی منتشر شده است، به دنبال ارائه ی یک چارچوب تحلیلی منسجم و چندوجهی است. این رویکرد پژوهش حاضر را از تحقیقات پیشین متمایز می کند، زیرا به جای تمرکز بر یک یا چند عامل خاص، به دنبال فهم چگونگی درهم تنیدگی تمامی این عوامل در چارچوب نظریه های مورد بررسی است تا تصویری کامل تر از علل جنگ ارائه دهد.

روش شناسی:

این پژوهش از لحاظ ماهیت شناختی، در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی است و از روش تحلیل محتوا بهره می برد. تحلیل محتوا به مثابه یکی از رویکردهای اصلی پژوهش های توصیفی-تحلیلی، امکان توصیف سیستماتیک و تحلیل کیفی مفاهیم و پدیده های مورد مطالعه را فراهم می آورد (حافظ نیا، ۱۴۰۱: ۱۲۴). بر اساس پارادایم های علمی و ماهیت داده ها، تحلیل محتوا به سه نوع کیفی، کمی (تجربی) و تلفیقی (آمیخته) طبقه بندی می شود (تیریزی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). در راستای اهداف این پژوهش برای شناسایی و تحلیل مؤلفه های مؤثر بر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از

«رویکرد تحلیل محتوای تلفیقی» استفاده شده است. از منظر رویکرد تحلیل محتوا، مطالعه حاضر از «رویکرد هدایت‌شده» پیروی می‌کند که بر اساس چارچوب نظری پیشین، فرآیند تحلیل را راهبری می‌نماید (گلشنی و قائدی، ۱۳۹۵: ۷۲). در نهایت، از لحاظ منطق استنتاج، پژوهش از ترکیب منطق قیاسی و استقرایی (برای استخراج الگوهای نوظهور از داده‌ها) در قالب رویکرد آمیخته بهره می‌گیرد. نمودار ۱ فرایند پژوهش را به تصویر کشیده است و در ادامه مطلب به اختصار مراحل پژوهش و نتایج هر بخش توضیح داده شده است:

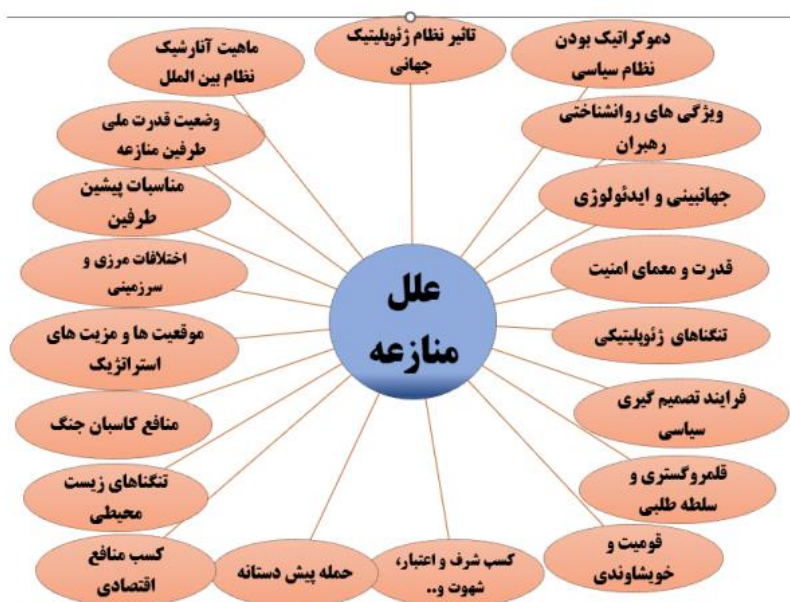
نمودار ۱: فرایند تحلیل محتوای کیفی و احصاء عوامل نهایی موثر بر جنگ عراق و ایران



مرحله اول، احصاء علل کلی منازعه:

در مرحله نخست، با استفاده از منطق قیاسی، مبانی نظری و دیدگاه‌های اندیشمندان درباره علل منازعه بررسی شد. در این مرحله دیدگاه مکاتب فلسفی و سیاسی چون واقع گرایی، لیبرالیسم، مارکسیسم، سازه انگاری، روانشناختی و همچنین نظر ۴۰ تن از اندیشمندان و پژوهشگران رشته های مختلف از افلاطون، ارسطو و ابن خلدون از گذشته تا مارکس، مورگنتا، هابز، هانتیگتون و هاگت در عصر کنونی به شیوه تحلیل محتوای کیفی و فرایند کد گذاری و مقوله سازی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت ۱۹ عامل کلی به عنوان علل کلان و جهانشمول منازعه بین کشورها احصاء گردید که در قالب نمودار ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۲: عوامل کلی و جهانشمول منازعه بر اساس مکاتب فلسفی و نظر اندیشمندان



منبع: زرقانی، ۱۴۰۱: ۲۴۸

مرحله دوم، احصاء مهمترین علل و زمینه های جنگ عراق و ایران (کدهای اولیه):

در مرحله دوم، با رویکرد استقراء، تعداد ۸۷ پژوهش مرتبط با جنگ عراق و ایران به شیوه تحلیل محتوی کیفی مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش‌ها شامل مصاحبه‌های منتشر شده رهبران سیاسی (هاشمی رفسنجانی، ولایتی و...)، فرماندهان ارشد نظامی ایرانی (رحیم صفوی، محسن رضایی، علی شمخانی، محمد حسین افشردی (باقری)، غلامعلی رشید، صیادشیرزای، معین وزیری، حسین حسینی، حبیب الله سیاری، حسین علایی و...) و مقامات سیاسی و فرماندهان ارشد نظامی عراقی (وفیق السامرائی، رعد حمدانی، صلاح عمر علی، علاءالدین خمس، الطرفه العییدی، علون البوسی، حمد الحمدانی و...) و همچنین پژوهش‌های مستقل توسط پژوهشگران ایرانی، عراقی یا غربی بود که در قالب مقالات علمی، طرح‌های پژوهشی و کتاب منتشر شده است. با تحلیل محتوی این آثار، در مجموع ۱۱۲ متغیر (کدهای اولیه) به عنوان مهم‌ترین علل جنگ عراق و ایران شناسایی شد.

مرحله سوم: کدگذاری ثانویه و تلخیص متغیرها و کدهای اولیه:

در مرحله سوم، با استفاده از اشتراک ظاهری و محتوایی کدهای اولیه و با شیوه تلخیص و ادغام، کدهای ثانویه تدوین شد. در این فرایند، تعداد ۱۱۲ کد اولیه (متغیرهای موثر بر حمله عراق به ایران) به ۵۲ کد ثانویه کاهش پیدا کرد که در قالب جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: عوامل موثر بر حمله نظامی عراق به ایران (کدهای ثانویه)

کدهای ثانویه	کدهای ثانویه
• احساس تهدید صدام و حزب بعث از انقلاب ایران • پیشگیری از پیدایش انقلاب اسلامی در عراق • مرکزیت اجتهاد و فقه شیعه در عراق • بحران ملت سازی در عراق و جنگ تهدید بیرونی • گسترش توان اقتصادی عراق	• آسیب پذیری ژئواستراتژیک در سواحل اروندرود • انزوای ژئوپلیتیکی عراق ناشی از جبر جغرافیایی • تسلط عراق بر مناطق راهبردی مرز زمینی در دو منطقه نزدیک به پایتخت و تأسیسات نفتی کرکوک • حاکمیت کامل بر اروندرود
• ماهیت ضد استکباری و ضد سلطه نظام انقلابی ایران • تقابل نظام اسلامی با قدرت های برتر نظام دو قطبی • انقلاب ایران و برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه • تقابل انقلاب اسلامی با ایدئولوژی کمونیسم • موضع خصمانه ایدئولوژی سیاسی غرب و اروپا • ادعای استفاده ابزاری از نفت به عنوان ابزار امتیاز گیری	• رهبری جهان عرب / / رهبری ملی گرایی عربی / • تبدیل شدن به قدرت هموم منطقه (جانشینی شاه) • ایجاد خلاء قدرت در منطقه و تلاش صدام برای پر کردن آن • خروج بریتانیا از خلیج فارس و افزایش قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران • دفاع از حیثیت ملت عرب - استرداد جزایر سه گانه
• تقابل ایدئولوژی رهبران • بیانات رهبران و مقامات در تهدید طرف مقابل • احساس حقارت صدام در پذیرش قرار داد الجزایر • تلافی و انتقام و تلاش برای کسب وجهه و اعتبار سیاسی • تصور صدام از خود به عنوان یک استراتژیست بزرگ • بازیابی غرور عرب در مواجهه تاریخی با ایران • ماجراجویی، بلندپروازی، جنگ طلبی، قدرت طلبی	• ارزیابی غیر واقع بینانه از قدرت برتر نظامی عراق (تسلیمات و...) • ارزیابی بحران سیاسی و ضعف نظامی ایران • فقدان راهبردی مشخص در حمله به ایران • تصور پیروزی سریع و چند روزه (راهبرد جنگ کوتاه) • فرصت تاریخی (بهترین زمان برای حمله با توجه به وضعیت ایران و عراق و منطقه و نگرانی از بازیابی قدرت ایران انقلابی) • تصور همراهی اعراب خوزستان با صدام
• تقابل ایدئولوژی ملی گرای عراقی با ایدئولوژی امت گرای ایران • تقابل ایدئولوژی لائیک عراق با ایدئولوژی اسلامی ایران	• رقابت قومی - تاریخی (عرب - عجم / شیعه - سنی) • قومیت گرایی عربی و بان عربیسم
• ادعای حمایت ایران از شیعیان و گروههای مخالف عراق • ادعای حمایت عراق از گروههای مخالف ایران (کرد و عرب) • تشدید درگیری های مرزی بین دو طرف	• اختلاف مرزی و سرزمینی (حقوق سرزمینی عراق) • تشدید درگیریهای مرزی با ایران (مصمم شدن در حمله) • فرادستی هیدروپلیتیک ایران و فرو دستی عراق • ناپایداری تاریخی فرا دادها و توافقات های مرزی
• تقویت سلطه حزب بعث بر عراق • تعدد قومیت و مشکل همگرایی ملی • مخالفت احزاب و گروههای شیعه عراق	• تأثیر منابع غنی نفتی خوزستان در تصمیم صدام برای جنگ و اشغال این استان • دستیابی به قابلیت های بندری استان خوزستان
• نقش علی قدرت و تغییر در وزن ژئوپلیتیک دو کشور • افزایش قدرت اقتصادی عراق به دلیل افزایش درآمدهای نفتی • افزایش خرید تسلیحات و تقویت ابعاد مختلف نظامی عراق • تقویت رویکرد میلیتاریستی و استفاده از زور برای حل منازعه • اراده صدام و راهبرد وی برای به کار گیری قدرت نظامی در مناقشات	• احساس خطر از ارزش های انقلابی (تقابل ایران و عربستان) • نگرانی ها از پیوند اسلام بنیاد گرا و شیعه مبارز / از سقوط رژیم های سلطنتی و استبدادی / از تحریک شیعیان در کشورهای منطقه • حمایت کشور های عربی از صدام و رژیم بعث (اتلاف عربی) • تشویش تولید و صدور نفت به بازارهای جهانی
• دیپلماسی ضعیف ایران در پیشگیری از جنگ • دیپلماسی فعال عراق در فراهم کردن زمینه جنگ و شکل گیری اجماع منطقه ای و همراهی قدرت های جهانی • فقدان یک نظام منطقه ای یا هر نوع گروه بندی منطقه ای	• حل بحران گروگان گیری • جلوگیری از سقوط حکومت های ثروتمند و طرفدار غرب منطقه • اقدام به کودتا علیه نظام انقلابی با حمایت امریکا • گرایش های ضد ایرانی در ساختار سیاسی و تصمیم گیری آمریکا

• تلاش آمریکا برای جذب عراق و جایگزینی عراق به جای ایران در راستای منافع آمریکا • جلوگیری آمریکا از شکل گیری یک حکومت شیعه در عراق و ائتلاف با حکومت شیعی ایران • تضمین تولید و صدور نفت به بازارهای جهانی	• خط مشی تهاجمی حزب بعث در سیاست خارجی بعد از روی کار آمدن صدام (حل مناقشات سیاسی با زور) • ادعای عدم موفقیت دیپلماسی و ناامیدی صدام از پیگیری اختلاف ها از طریق دیپلماسی • فقدان وجود اراده لازم در نظام بین الملل برای جلوگیری از جنگ
• سقوط نظام انقلابی در ایران • گسترش تجزیه طلبی و فروپاشی ایران • ایجاد یک کانون تجزیه طلبی پایدار در خوزستان • پیگیری سیاست محدود سازی توان استراتژیک ایران • تضعیف نظام انقلابی از طریق جنگ با هدف تغییر اهداف انقلاب • فروکش کردن احساسات انقلابی مردم • سیاست خارجی ایران انقلابی و تقویت رادیکالیسم در سیاست	• بحران امنیت داخلی و بی ثباتی در ایران • درگیری جناح های سیاسی در ایران • آشفتگی ناشی از انقلاب • اصلاح در ساختار ارتش، اخراج سران ارتش، به روز نبودن تجهیزات نظامی

منبع: زرقانی، ۱۴۰۲: ۲۹۲-۲۹۱

مرحله چهارم: تدوین مولفه های نهایی موثر بر جنگ تحمیلی بر اساس روش «مقوله بندی»:

در مرحله چهارم و بر اساس فرایند «مقوله بندی»، کدهای ثانویه بر اساس اشتراک معنایی و محتوایی، به صورت مولفه ها و عوامل کلی سازماندهی شدند. در این مرحله مجموعاً ۱۸ مقوله اصلی به عنوان مهمترین مولفه های موثر بر حمله عراق به ایران احصاء شد که در قالب نمودار ۲۲ در بخش نتیجه گیری نشان داده شده است.

مرحله پنجم: تحلیل محتوی کمی مولفه های نهایی موثر بر جنگ تحمیلی:

گام پایانی و مرحله پنجم به اجرای تحلیل محتوی کمی (تجربی) اختصاص یافت؛ روشی که بر اساس پارادایم اثباتی عمل کرده و بر کمی سازی داده ها تمرکز دارد. در این مرحله، بسامد حضور هر واحد تحلیلی (واژه، اصطلاح یا مضمون، مقوله) در متن مورد بررسی قرار می گیرد تا میزان اهمیت آن تعیین گردد (فاضلی، ۱۳۸۶: ۹۹). برای این منظور، در این پژوهش نیز از روش تجزیه و تحلیل تکرار استفاده شد.

یافته های پژوهش:

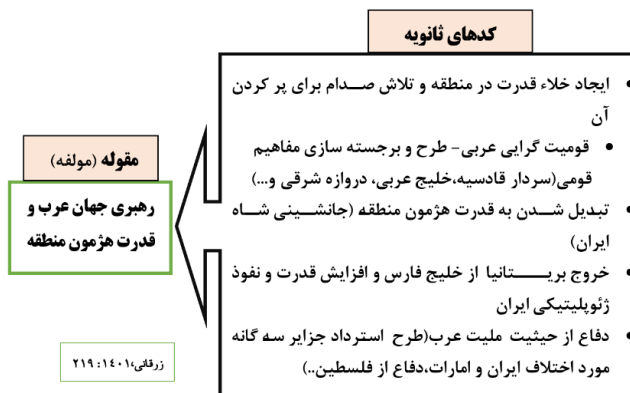
۱- تحلیل مؤلفه های مؤثر بر بروز جنگ عراق و ایران:

همان طور که در بخش روش شناسی به تفصیل توضیح داده شد، با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی، در نهایت ۱۸ مؤلفه به عنوان مهم ترین عوامل مؤثر بر حمله نظامی عراق به ایران احصا گردید. در این بخش از پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوی کمی، میزان فراوانی و رتبه بندی هر یک از ۱۸ مؤلفه، به تفکیک دیدگاه سه گروه شامل تمامی پژوهشگران و همچنین مقامات سیاسی و نظامی و پژوهشگران ایرانی و عراقی مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این تحلیل، مبنایی برای ارزیابی درجه اهمیت و وزن نسبی هر مؤلفه در بروز جنگ عراق علیه ایران محسوب می شود:

۱-۱- مؤلفه «رهبری جهان عرب و قدرت هژمون منطقه»:

«کسب رهبری جهان عرب و قدرت هژمون منطقه»، از علل اصلی حمله عراق به ایران و یکی از مؤلفه‌های هجده‌گانه است که از طریق فرایند مقوله‌یابی احصاء شده است. همچنان‌که در بخش روش شناسی توضیح داده شد هر کدام از مؤلفه‌های ۱۸ گانه از طریق فرایند مقوله‌سازی و ادغام کدهای ثانویه احصاء شده است. تعدادی از پژوهشگران و صاحب‌نظران در تبیین علل و ریشه‌های حمله عراق به ایران به عواملی همچون ایجاد خلأ قدرت در منطقه، تبدیل شدن به قدرت هژمون منطقه (جانشینی شاه ایران)، قومیت‌گرایی عربی، طرح و برجسته‌سازی مفاهیم قومی (سردار قادسیه، خلیج عربی، دروازه شرقی و...) و دفاع از حیثیت ملیت عرب (طرح استرداد جزایر سه‌گانه مورد اختلاف ایران و امارات و دفاع از فلسطینی‌ها در برابر رژیم اشغالگر قدس) اشاره کرده‌اند که در این پژوهش این کدهای ثانویه در قالب مؤلفه «رهبری جهان عرب و قدرت هژمون منطقه» تدوین شده و در نمودار ۳ نشان داده شده است. (السامرای، ۱۳۹۳: ۴۹-۴۸؛ صلاح عمر، ۱۳۹۱: ۲۱؛ زاپچرل، ۱۳۸۹: ۱۱۱؛ Mearsheimer & Walt, 2003: 55؛ درودیان، ۱۳۸۳: ۷۷؛ کیانی و قیاسی، ۱۴۰۰: ۱۴۱؛ درویشی سه‌تالانی، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۹؛ علایی، ۱۳۹۹: ۵۲).

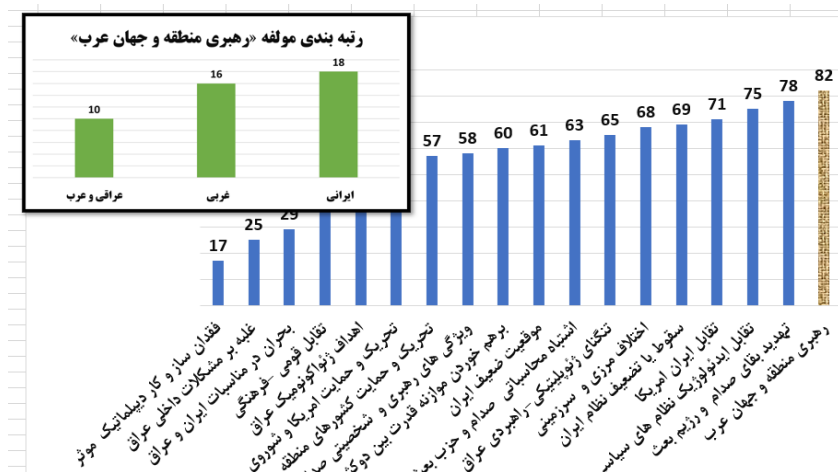
نمودار ۳: کدهای ثانویه شکل‌دهنده مؤلفه «رهبری جهان عرب و قدرت هژمون منطقه»



نمودار ۴، رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران در مؤلفه «رهبری جهان عرب و قدرت هژمون منطقه» را بر اساس دیدگاه مجموع گروه‌های سه‌گانه و همچنین در قالب نمودار کوچک سمت چپ نمودار ۴، به تفکیک گروه‌های سه‌گانه نشان می‌دهد. همچنان‌که در نمودار مشخص است، این مؤلفه با ۸۲ امتیاز رتبه اول را در بین ۱۸ مؤلفه به خود اختصاص داده است. امتیاز بسیار بالای این مؤلفه و رتبه اول آن گویای این مطلب است که این مؤلفه از نظر اکثر پژوهشگران تأثیر

بسیار زیادی بر تصمیم عراق در حمله نظامی به ایران داشته است. در مقام مقایسه بین سه گروه (ایرانی، عراقی و غربی)، پژوهشگران ایرانی با بالاترین امتیاز، رتبه اول را به این مؤلفه اختصاص داده‌اند و با اختلاف اندکی پژوهشگران غربی نیز چنین اعتقادی داشته‌اند. لکن پژوهشگران عراقی و عرب، تأثیر این عامل را متوسط ارزیابی کردند.

نمودار ۲: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه رهبری منطقه و جهان)

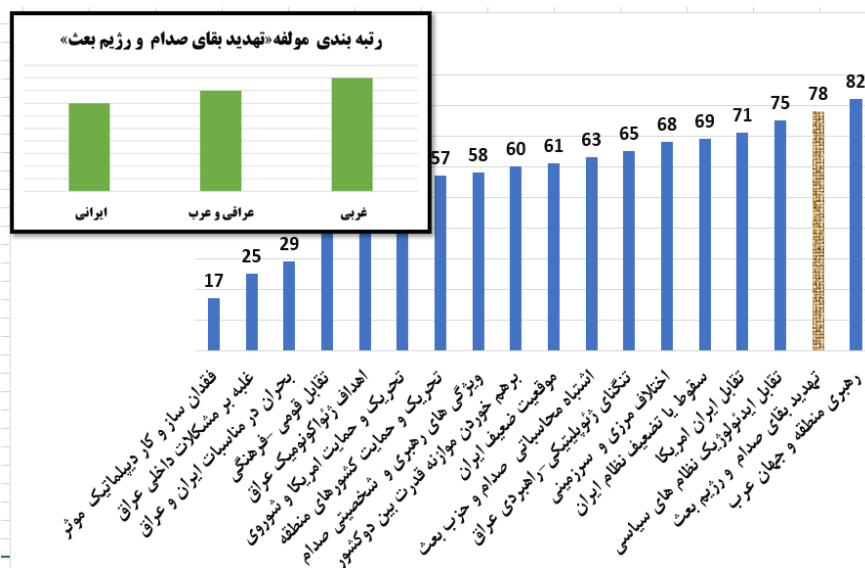


۲-۱- مؤلفه «تهدید بقای صدام و حزب حاکم»:

یکی دیگر از عواملی که به‌ویژه از سوی پژوهشگران غربی و همچنین مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی عراقی برای توجیه حمله نظامی عراق به ایران مطرح شده، احساس تهدیدی است که شخص صدام و حزب حاکم از سوی نظام انقلابی ایران داشت. به حیث نظری، یکی از دلایل ورود کشورها به عرصه منازعه و آغاز جنگ حتی به‌صورت پیش‌دستانه، احساس تهدیدی است که از سوی کشور مقابل ایجاد می‌شود. درواقع، حکومت‌ها برای برون‌رفت از نگرانی‌های ناشی از تهدیدهای بیرونی اقدام به جنگ‌افروزی می‌کنند. این تهدیدها ممکن است تهدیدهای نظامی باشد و یکپارچگی ارضی یا جایگاه قدرت یک کشور را با خطر مواجه کند یا ماهیت سیاسی داشته باشد و ثبات داخلی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. حتی اگر کشوری نخواهد ایدئولوژی انقلابی‌اش را به دیگر کشورها صادر کند، با به خطر انداختن حیات حکومت کشورهای مورد نظر و ایجاد صف‌بندی‌های سیاسی جدید و تأثیرات این صف‌بندی‌ها بر توازن قوای موجود، می‌تواند زمینه‌های نگرانی و ترس این کشورها را فراهم کند. (Hoffmann, 1965; Gulick, 1955). به اعتقاد برخی از پژوهشگران، صدام و رژیم بعثی حاکم بر عراق به دلایلی

چون طرح موضوع صدور انقلاب توسط برخی از مسئولان ایران، مرکزیت اجتهاد و فقه شیعه در عراق، سهم‌خواهی اکثریت شیعه عراق و مخالفت با رهبری اقلیت سنی، احساس تهدید می‌کردند و برای پیشگیری از پیدایش انقلاب اسلامی در عراق با محوریت شیعیان و ارزش‌های انقلابی، اقدام به حمله نظامی به ایران کردند (قوام و روان‌بد، ۱۳۹۴: ۱۸۷-۱۸۶؛ دهقان، ۱۳۸۷: ۱۷۴ به نقل از صیاد شیرزای، اردستانی، ۱۳۹۷: ۱۹۳-۱۷۵ به نقل از سید یحیی صفوی، ۲۰۱۱: ۴؛ Azhary, 2011؛ میلتون و هینچ کلیف؛ تورز و دیفرونزو، ۱۳۹۱: ۱۸۰ و...). نمودار ۵ رتبه مؤلفه «تهدید بقای صدام و حزب حاکم» را در بین ۱۸ مؤلفه دیگر به تصویر کشیده است. همچنان‌که در نمودار مشخص است، این مؤلفه با امتیاز ۷۸، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. در واقع، از منظر پژوهشگران این مؤلفه در کنار مؤلفه «رهبری جهان عرب و قدرت هژمون منطقه»، نقش بسیار زیادی در تصمیم عراق برای حمله به ایران داشته است. همچنین در بخش بالای نمودار رتبه این مؤلفه به تفکیک ملیت پژوهشگران نشان داده شده است. براین‌اساس، به‌عقیده پژوهشگران غربی این مؤلفه بالاترین تأثیر را در حمله عراق به ایران داشته، چنان‌که در بین این پژوهشگران این مؤلفه رتبه اول را در بین ۱۸ مؤلفه به خود اختصاص داده است. پژوهشگران عراقی نیز برای این مؤلفه تأثیر زیادی قائل بودند و درنهایت پژوهشگران ایرانی نسبت به دو گروه دیگر، تأثیر این مؤلفه را کمتر ارزیابی کردند، اگر چه در مجموع هر سه گروه به تأثیرگذاری بالای آن اعتقاد داشته‌اند.

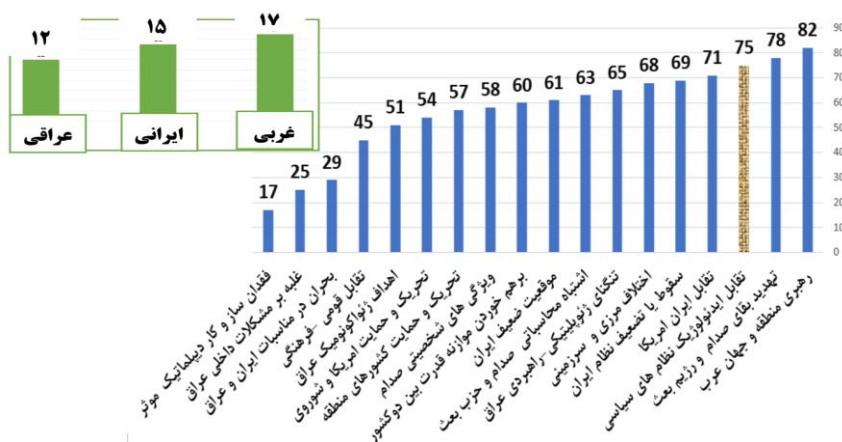
نمودار ۵: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه تهدید بقای صدام و رژیم بعث)



۳-۱- مؤلفه «تقابل ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی»:

از آنجا که ایدئولوژی‌ها جهانی‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند، تضاد میان آن‌ها می‌تواند به منازعه منجر شود، همانطور که در جنگ جهانی دوم مشاهده شد. در واقع، تقابل ایدئولوژیک بین کشورهای همسایه، احتمال جنگ را حتی بر سر اختلافات کوچک افزایش می‌دهد (قوام، ۱۳۹۷: ۲۵۸). انقلاب اسلامی ایران، با مطرح کردن اسلام به عنوان ایدئولوژی محوری، تقابلی عمیق با ناسیونالیسم عربی حاکم بر عراق ایجاد کرد (فولر، ۱۳۷۳: ۵۴). روابط ایران و عراق به شدت به نوع رژیم‌های حاکم وابسته بود؛ در دوره پادشاهی، با وجود اختلافات مرزی، به دلیل نبود تقابل ایدئولوژیک، راهکارهای صلح‌آمیز امکان‌پذیر بود (فولر، ۱۳۷۳: ۵۴). اما پس از انقلاب اسلامی، گفتمان امت‌گرایی ایران و هراس از سرایت آن به شیعیان عراق، موجب واکنش رهبران بعثی شد. آنان برای حل این تهدید، براندازی جمهوری اسلامی را ضروری می‌دیدند (رشید، ۱۳۹۱: ۲۱). این تقابل ایدئولوژیک در نهایت نقش مؤثری در تصمیم عراق برای حمله نظامی به ایران ایفا کرد. نمودار ۶ رتبه‌بندی مؤلفه‌های هجده‌گانه را براساس نظرات مجموع پژوهشگران جنگ تحمیلی نشان می‌دهد. همچنان‌که در نمودار مشخص است، از منظر پژوهشگران مؤلفه «تقابل ایدئولوژیک نظام سیاسی دو کشور» در بین ۱۸ مؤلفه تأثیرگذار بر جنگ عراق و ایران، با امتیاز ۷۵ در رتبه سوم قرار دارد. با توجه به قرار گرفتن این مؤلفه در بین سه مؤلفه اول و با امتیاز زیاد نسبت به مؤلفه‌های بعدی، می‌توان گفت از نظر کلیه پژوهشگران، این مؤلفه نقش بسیار مؤثری در تهاجم نظامی عراق به ایران داشته است.

نمودار ۶: کدهای ثانویه شکل‌دهنده مؤلفه «تقابل ایدئولوژیک نظام سیاسی دو کشور»

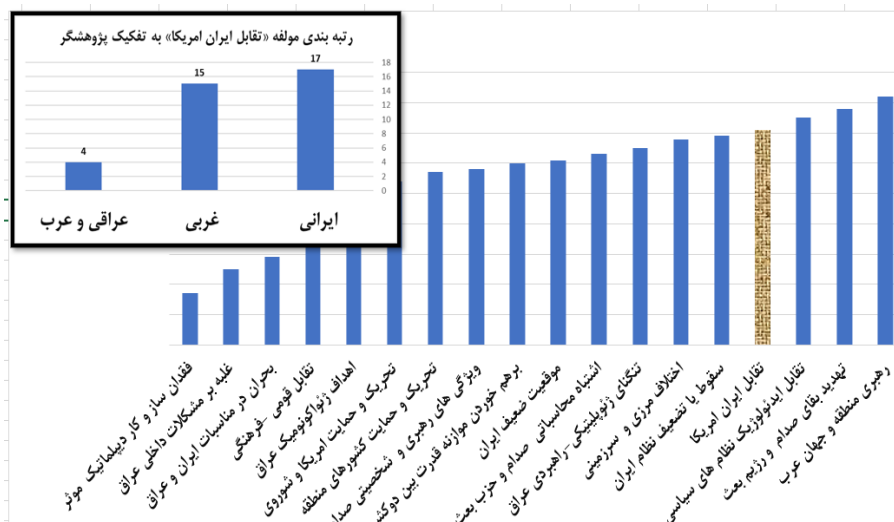


همچنین نمودار ستونی سمت چپ در نمودار ۶، وضعیت فراوانی و رتبه‌بندی مؤلفه «تقابل ایدئولوژیک نظام سیاسی دو کشور» را به تفکیک گروه‌های سه‌گانه پژوهشگران نشان می‌دهد. همچنان‌که در نمودار مشخص است، پژوهشگران غربی بالاترین امتیاز و تأثیر را به این مؤلفه نسبت به دو گروه دیگر داده‌اند. در واقع، با توجه به اینکه این مؤلفه نزد پژوهشگران غربی رتبه دوم را در بین ۱۸ مؤلفه به خود اختصاص داده، می‌توان گفت از منظر آنها تأثیر این مؤلفه در وقوع جنگ بسیار زیاد بوده است. پژوهشگران ایرانی نیز در بین ۱۸ مؤلفه، رتبه چهارم را به این مؤلفه اختصاص دادند و بدین سبب به تأثیر زیاد آن قائل بودند. درنهایت، پژوهشگران عراقی و عرب به تأثیر متوسط آن اعتقاد داشته‌اند.

۴-۱- مؤلفه «تقابل ایران انقلابی و آمریکا»:

به اعتقاد برخی از پژوهشگران جنگ تحمیلی، تقابل ایران و آمریکا و حمایت آمریکا از حمله نظامی عراق به ایران از مهم‌ترین عوامل جنگ تحمیلی بوده است. پس از انقلاب اسلامی ایران، آمریکا برای مقابله با تهدیدات انقلاب، سیاست موازنه‌سازی منطقه‌ای را در پیش گرفت و عراق را برای حمله به ایران ترغیب کرد. هدف آمریکا کاهش توان دفاعی ایران و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی بود. حمایت آمریکا از عراق شامل تأمین منابع مالی و تسلیحاتی بود تا منافع آمریکا در خاورمیانه حفظ شود و ایران به‌ناچار به آن وابسته گردد. علاوه بر این، جنگ به نفع آمریکا باعث فشار اقتصادی و سیاسی به ایران می‌شد که موجب تضعیف حکومت جدید ایران می‌شد (شهسواری، ۱۴۰۰: ۱۲۰؛ هرسج، ۱۳۸۱: ۱۲۸؛ متقی، ۱۳۷۹: ۷۰؛ درودیان، ۱۴۰۰: ۳۶۷-۳۶۸). همچنان‌که در نمودار ۷ نشان داده شده، در بین ۱۸ مؤلفه، این مؤلفه با امتیاز ۷۱ رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. قرار گرفتن این مؤلفه در چهار رتبه اول، نشان از تأثیر زیاد این مؤلفه در بروز جنگ از دیدگاه پژوهشگران جنگ عراق و ایران دارد. رتبه‌بندی دیدگاه پژوهشگران نیز نشان می‌دهد فرماندهان نظامی و پژوهشگران ایرانی تأثیر این مؤلفه را بسیار زیاد دانسته‌اند، به‌طوری‌که از منظر این پژوهشگران در بین ۱۸ مؤلفه مؤثر بر وقوع جنگ عراق و ایران، مؤلفه مزبور رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. پژوهشگران غربی نیز تا حد زیادی بر تأثیر این مؤلفه بر جنگ معتقد بوده‌اند. در مقابل، فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی و عرب، اعتقاد کمی به اثرگذاری این مؤلفه بر وقوع جنگ داشته‌اند.

نمودار ۷: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه تقابل ایران انقلابی و آمریکا)

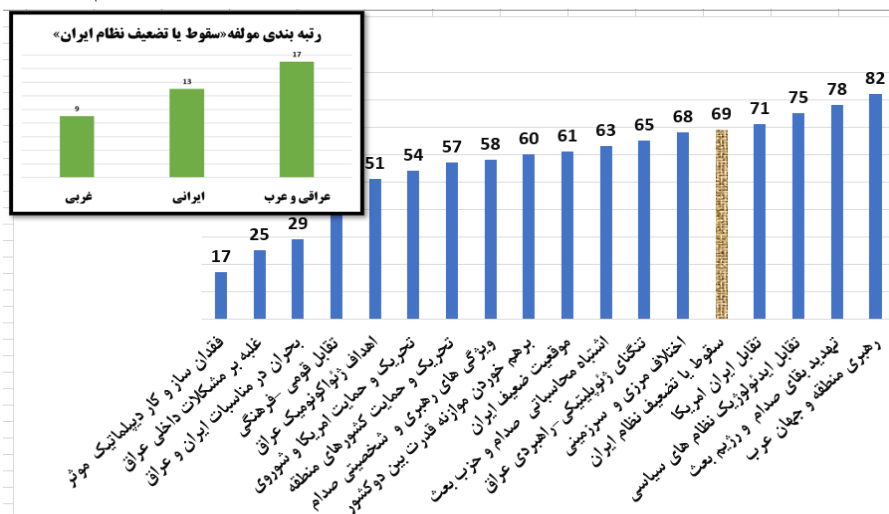


۵-۱- مؤلفه «سقوط یا تضعیف شدید نظام انقلابی»:

به عقیده بسیاری از پژوهشگران، یکی از مهم‌ترین دلایل عراق از حمله به ایران، تصور ساقط کردن حکومت اسلامی یا حداقل تضعیف شدید آن و تجزیه بخش‌هایی از کشور و به‌ویژه استان خوزستان در یک حمله سریع و کوتاه‌مدت بوده است. پژوهشگران دفاع مقدس در این زمینه به این عوامل اشاره کرده‌اند: سقوط نظام انقلابی در ایران، گسترش تجزیه‌طلبی و فروپاشی ایران، ایجاد یک کانون تجزیه‌طلبی پایدار در خوزستان (خلق عرب)، تضعیف نظام انقلابی از طریق جنگ با هدف تغییر اهداف انقلاب اسلامی، فروکش کردن احساسات انقلابی مردم و مسئولان به‌خاطر مشکلات جنگ (اردستانی، ۱۳۹۷: ۱۹۳-۱۷۵ در مصاحبه با سید یحیی صفوی، مصاحبه با محمد حسین افشردی خبرگزاری تسنیم، ۵ اسفند ۱۳۹۹؛ ابوغزاله، ۱۳۸۰: ۱۹؛ ایزدی، ۱۳۹۹: ۲۱ به نقل از حامد الحمدانی، العلوی، ۱۹۹۵: ۲۴۰ و...). همچنان‌که در نمودار ۸ نشان داده شده، مؤلفه «سقوط یا تضعیف نظام انقلابی» در بین ۱۸ مؤلفه مؤثر بر وقوع جنگ، با امتیاز ۶۹، رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است و با اختلاف امتیاز کم نسبت به ۴ مؤلفه قبل، این مؤلفه نیز از دیدگاه پژوهشگران نقش زیادی در تصمیم نظام حاکم بر عراق در جنگ با ایران داشته است. فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی، به تأثیر بسیار زیاد این مؤلفه اعتقاد داشته‌اند. چنان‌که از منظر پژوهشگران عراقی، این مؤلفه با اختلاف امتیاز اندکی با مؤلفه اول در رتبه دوم قرار دارد. به عبارتی می‌توان گفت از دیدگاه فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی، «وضعیت و موقعیت ضعیف ایران»

باعث شد این تصور برای رهبران حزب بعث پدید آید که می‌توان با حمله نظامی سریع و کوتاه، «حکومت انقلابی ایران را ساقط یا حداقل بخش‌هایی از آن را تجزیه کرد». پژوهشگران ایرانی نیز به تأثیر زیاد این مؤلفه در بروز جنگ اعتقاد داشته‌اند؛ رتبه شش این مؤلفه از منظر پژوهشگران ایرانی، تأییدکننده این مطلب است. در رتبه‌بندی پژوهشگران غربی، رتبه این مؤلفه ۱۰ است و به نظر می‌رسد تأثیر این مؤلفه از نظر پژوهشگران غربی در حد متوسط است.

نمودار ۸: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه سقوط یا تضعیف شدید نظام انقلابی)

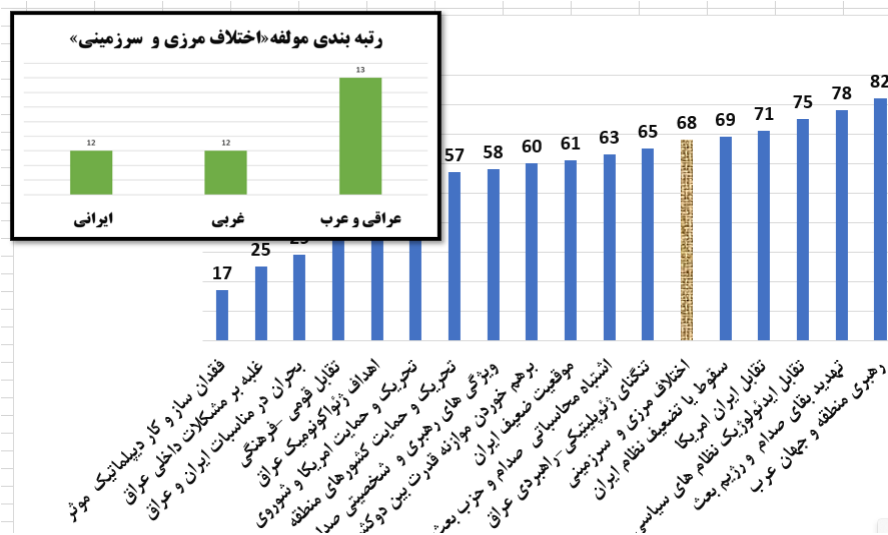


۱-۶- مؤلفه «اختلافات مرزی و سرزمینی»:

اختلافات مرزی و سرزمینی، نقش مهمی در تعیین رفتار دولت‌ها دارند و تعامل سیاست خارجی را شکل می‌دهند. زیمرمن تفسیری ارائه داده که نشان می‌دهد زمینه‌های مورد اختلاف چگونه رفتار سیاست خارجی را تحریک کرده و زمینه تعارضات متهمی به جنگ را فراهم می‌آورند (داناون، ۱۳۹۶: ۳۳). مسائل مورد اختلاف نباید به تنهایی «شرایط کافی برای جنگ» تلقی شوند، بلکه یکی از علل اصلی تعارض محسوب می‌شوند. وجود این مسائل و نحوه برخورد بازیگران درگیر، احتمال ورود به تعارض و جنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایران و عراق میراث‌دار اختلافات مرزی ۴۰ ساله بین ایران و عثمانی هستند که بارها منجر به نزاع شد (زرقانی، ۱۴۰۰: ۶۷). این اختلافات شامل مسائل اروندرود، فرادستی هیدروپلیتیک ایران، اختلاف در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک و ناپایداری تاریخی قراردادها بوده که یکی از عوامل مؤثر بر تهاجم عراق به ایران محسوب می‌شود. براین اساس، بسیاری از پژوهشگران، اختلافات

مرزی و سرزمینی بین دو کشور را یکی از عوامل مؤثر بر تهاجم نظامی عراق به ایران قلمداد کرده اند (Cordesman & Wagner, 1990:32; Triggs Prescott, 2008:91؛ لوی و فروئیچ، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۳۲؛ فولر، ۱۳۷۳: ۷۵؛ رضایی، ۱۳۹۰: ۷۲؛ درودیان، ۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۴۰؛ حسینی، ۱۳۹۵: ۳۷). همچنان که در نمودار ۹ نشان داده شده، مؤلفه «اختلافات مرزی و سرزمینی» در بین ۱۱ مؤلفه، با امتیاز ۶۸ رتبه ششم را به خود اختصاص داده است. این مؤلفه با اختلاف امتیاز خیلی کمی در کنار سه مؤلفه قبل قرار دارد و می‌توان آن را جزء عوامل مؤثر بر وقوع جنگ دانست. همچنین در مقام مقایسه بین سه گروه، این مؤلفه از منظر فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی، نسبت به پژوهشگران ایرانی و غربی، تأثیر بیش تری بر وقوع جنگ داشته است. در سخنان صدام و فرماندهان نظامی هم یکی از مهم‌ترین علل حمله به ایران، بحث حل اختلاف مرزی دو کشور به‌ویژه در اروندرود با ابزار نظامی مطرح شده است.

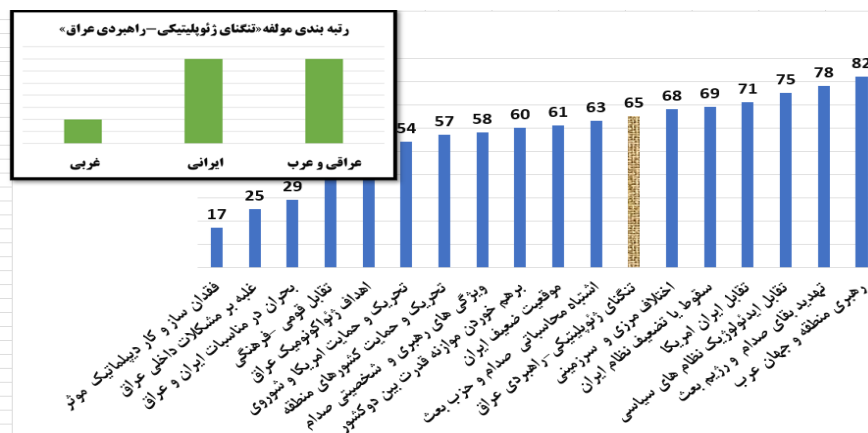
نمودار ۹: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه اختلافات مرزی و سرزمینی)



۷-۱- مؤلفه «تنگناهای ژئوپلیتیکی-راهبردی عراق»:

موقعیت استراتژیک یکی از مهم‌ترین منابع قدرت کشورها محسوب می‌شود و در این بین دسترسی به آب‌های آزاد، به‌دلیل قابلیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیک آن، اهمیت زیادی دارد (زرقانی، ۱۳۹۸: ۱۳۳). در بین کشورهای منطقه خلیج فارس، عراق از نظر دسترسی به خلیج فارس محدودیت زیادی دارد و علاوه بر اینکه طول سواحل این کشور بسیار

کمتر از سایر کشورهاست، مسیر دسترسی عراق به خلیج فارس نیز به دلیل عمق کم و باتلاقی بودن مناسب نیست. همچنین برخلاف کشورهای دیگر منطقه، عراق برای تأسیس بنادر بزرگ با محدودیت روبه‌رو است. این وضعیت نامطلوب که اغلب از آن تحت عنوان «تنگنای ژئوپلیتیکی» عراق یاد می‌شود، به عقیده تعدادی از کارشناسان یکی از دلایل اصلی حمله عراق به ایران و سپس کویت بوده است (قربانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴؛ کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۵؛ بویه، ۱۳۹۰: ۵۲؛ حاجتی، ۱۴۰۰: ۳۷۰؛ مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۱۴۸؛ مرادی‌پیری و حشمتی، ۱۳۹۵: ۲۳؛ صلاح عمر، ۱۳۹۱: ۱۲۲ و...). همچنان‌که در نمودار ۱۰ نشان داده شده، به عقیده پژوهشگران جنگ تحمیلی، مؤلفه «تنگناهای ژئوپلیتیکی-راهبردی» در بین ۱۸ مؤلفه، با امتیاز ۶۵ رتبه هفتم را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد این رتبه در بین ۱۸ مؤلفه، نشان از تأثیر متوسط به بالای آن دارد. به‌طور طبیعی و مانند مؤلفه‌های قبل، بین سه گروه پژوهشگران در مورد میزان اهمیت و رتبه این مؤلفه، اختلاف نظر وجود دارد. براین اساس، همچنان‌که در نمودار کوچک سمت چپ نمودار ۷ مشخص است، در بین سه گروه، پژوهشگران ایرانی و عراقی برای این مؤلفه اهمیت زیاد و یکسانی قائل هستند ولی پژوهشگران غربی با فاصله زیاد، تأثیر این عامل در بروز جنگ را کمتر ارزیابی کرده‌اند. نمودار ۱۰: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه تنگنای ژئوپلیتیکی-راهبردی عراق)

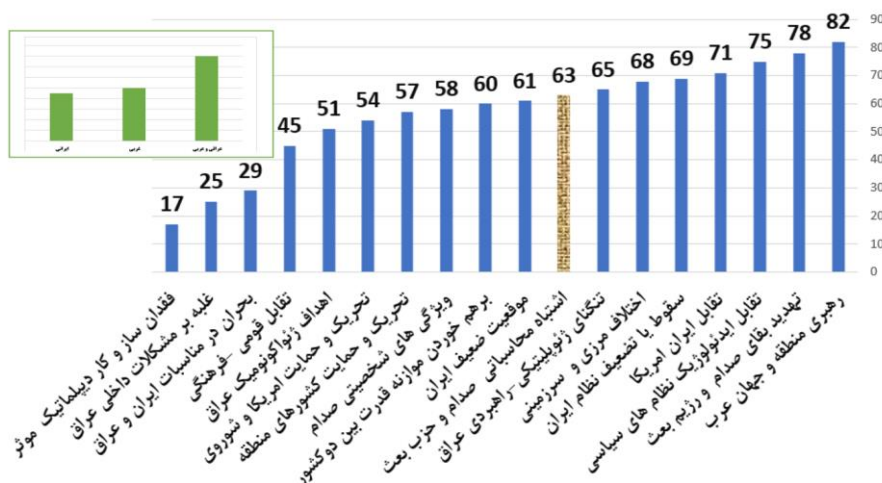


۸-۱- مؤلفه «اشتباه محاسباتی صدام و حزب بعث»:

اشتباه محاسباتی صدام و حزب بعث، یکی از مؤلفه‌های هجده‌گانه است که از طریق فرایند مقوله‌یابی و براساس متغیرها و عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران تدوین شده است. این مؤلفه بر این فرض استوار است که رهبران سیاسی و نظامی ممکن است در فرآیند تصمیم‌گیری دچار خطاهای ادراکی و تصورات غیرواقعی شوند. برخی از اندیشمندان معتقدند که ارزیابی‌های

نادرست از توانایی‌های نظامی و اقتصادی خود یا ضعف طرف مقابل، نقش مهمی در وقوع جنگ‌ها ایفا می‌کند (لوی و فروئلیچ، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در این راستا، پژوهشگران جنگ ایران و عراق نیز به اشتباهات محاسباتی متعددی در تصمیم‌گیری صدام و حزب بعث اشاره کرده‌اند. این خطاها شامل ارزیابی غیرواقعی از برتری نظامی عراق، دست‌کم گرفتن بحران سیاسی و ضعف نظامی ایران، فقدان یک راهبرد مشخص در حمله، و توهم پیروزی سریع و چند روزه بود (رضایی، ۱۳۹۰: ۸۰؛ اردستانی، ۱۳۹۷: ۱۹۳-۱۷۵؛ رشید، ۱۳۸۶: ۱۰۷؛ بهمنی، ۱۳۹۵: ۳۰۵؛ Stoessinger, 1982; Cordesman, 1982: 36؛ لوی و فروئلیچ، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۷). نمودار ۱۱، رتبه بندی مؤلفه‌های ۱۸ گانه را براساس نظرات مجموع پژوهشگران نشان می‌دهد. همچنان‌که در نمودار مشخص است، از منظر پژوهشگران مؤلفه «اشتباه محاسباتی صدام و حزب بعث» در بین ۱۸ مؤلفه تأثیرگذار بر جنگ عراق و ایران، با امتیاز ۶۳ در جایگاه هشتم قرار دارد. از منظر گروه‌های سه گانه، در ارزیابی مؤلفه «اشتباه محاسباتی صدام و حزب بعث»، نتایج به وضوح نشان می‌دهند که پژوهشگران عراقی نسبت به دو گروه دیگر برای این مؤلفه اهمیت زیادی قائل شده و تأثیر آن را بر حمله عراق به ایران بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند؛ در حالیکه پژوهشگران ایرانی و غربی تأثیر این مؤلفه را به‌طور نسبی متوسط ارزیابی کرده‌اند.

نمودار ۱۱: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه اشتباه محاسباتی صدام و حزب بعث)

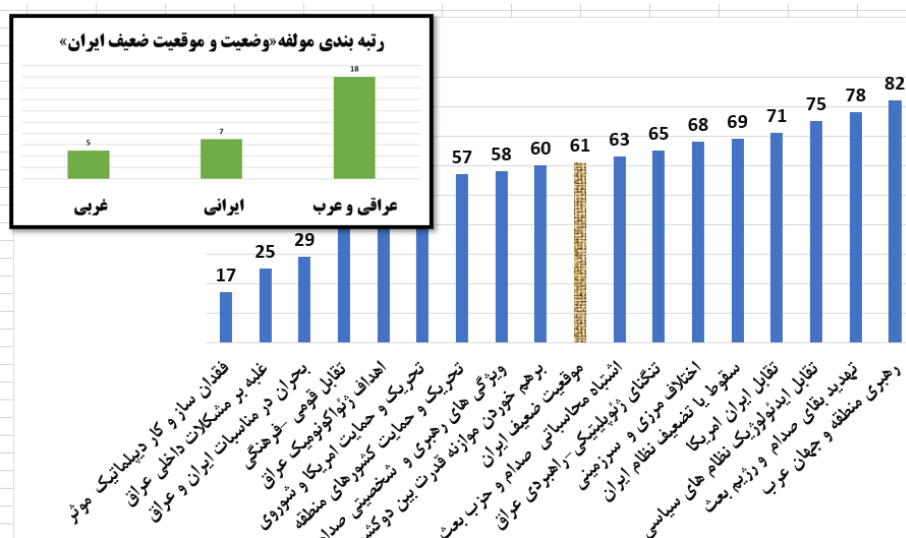


۹-۱- مؤلفه «وضعیت و موقعیت ضعیف ایران»:

انقلاب اسلامی ایران باعث دگرگونی‌های ریشه‌ای در ساختار سیاسی، اقتصادی، نظامی،

اجتماعی و فرهنگی کشور شد. در سال‌های اول انقلاب، ایران با مشکلات اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی روبه‌رو بود. وضعیت ارتش شاهنشاهی بحرانی و بدون نیروی جایگزین بود. کاهش فروش نفت و تحریم‌ها وضعیت اقتصادی را دشوار کرد. در عرصه امنیت داخلی، تهدیدهای تروریستی و فعالیت گروه‌های مسلح مطرح بود. به عقیده برخی از پژوهشگران این شرایط، به‌ویژه ضعف‌های داخلی کشور، موجب شد که رژیم بعث عراق با اشتباه محاسباتی به جنگ با ایران دست بزند و فکر می‌کرد پیروزی سریع خواهد بود (قوام و روان‌بد، ۱۳۹۴: ۱۸۷-۱۸۶؛ سلیمانی‌خواه، ۱۳۹۴: ۲۱؛ کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۵)؛ فولر، ۱۳۷۳: ۷۵؛ ابوغزاله، ۱۳۸۰: ۱۹؛ شمخانی، ۱۳۸۳: ۱۲؛ باقری در مصاحبه با خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳/۷/۴). نمودار ۱۲، رتبه بندی مؤلفه «وضعیت و موقعیت ضعیف ایران» را در بین مؤلفه‌های هجده‌گانه نشان می‌دهد. این مؤلفه با امتیاز ۶۱، رتبه نهم را به خود اختصاص داده است. بنابراین تأثیرگذاری آن از منظر مجموع پژوهشگران، متوسط ارزیابی می‌شود. در مقام مقایسه بین سه گروه، این مؤلفه از نظر صدام و رژیم بعث نقش بسیار مهمی در تصمیم حمله نظامی عراق به ایران داشته است به طوری‌که به اعتقاد فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی، مؤلفه «موقعیت و وضعیت ضعیف ایران» با رتبه ۱، بالاترین تأثیر را در بین مؤلفه‌های هجده‌گانه داشته است. نسبت به پژوهشگران عراقی، پژوهشگران ایرانی و به‌ویژه غربی اعتقاد کمتری به تأثیر این مؤلفه در وقوع جنگ داشته‌اند.

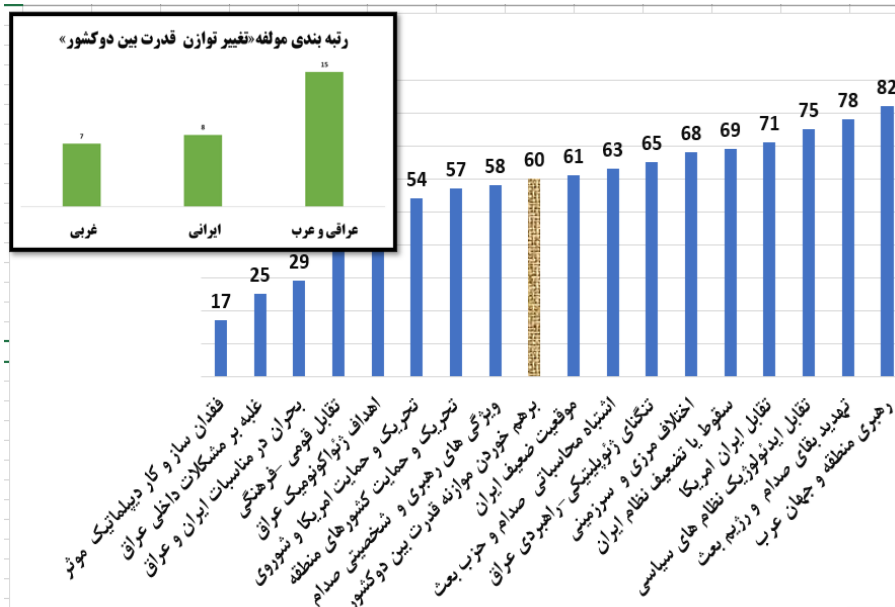
نمودار ۱۲: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه وضعیت و موقعیت ضعیف ایران)



۱۰-۱- مؤلفه «تغییر در توازن قدرت بین دو کشور»:

تغییر ناگهانی موازنه قدرت بین دو کشور که سابقه رقابت و منازعه دارند، یکی از علل اصلی ایجاد جنگ است. به‌ویژه زمانی که شکاف قدرت ناشی از ضعف داخلی یا افول اقتصادی یک طرف ایجاد شود، امکان جنگ افزایش می‌یابد. (Blainey, 1973) ایران پس از انقلاب اسلامی با بحران‌های سیاسی و اقتصادی مواجه بود، در حالی که عراق با تقویت نیروی نظامی و تسلیحاتی خود به اوج قدرت رسید. این تغییرات در موازنه قدرت، تصویری غلط از برتری عراق در ذهن صدام ایجاد کرد و او جنگ با ایران را هدفی آسان می‌دانست (Field, 1994). پژوهشگران جنگ تحمیلی عواملی همچون افزایش قدرت اقتصادی عراق به دلیل افزایش درآمدهای نفتی، افزایش خرید تسلیحات و تقویت ابعاد مختلف قدرت نظامی عراق، وضعیت نابسامان نیروهای نظامی و ضعف قدرت بازدارندگی، مشکلات اقتصادی ایران و درنهایت انزوای دیپلماتیک ایران را دلایل‌هایی برای تغییر توازن قدرت بین دو کشور دانسته‌اند و آن را یکی از دلایل اصلی حمله نظامی عراق به ایران محسوب کرده‌اند (رشید، ۱۳۸۶: ۱۰۷؛ اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۱؛ متقی، ۱۳۸۹: ۹؛ درودیان، ۱۴۰۰: ۲۸۸ به نقل از حسنی سعدی، درویشی سه‌تانی، ۱۳۹۳: ۷۳؛ King & Karsh, 2006: 2-44؛ Cordesman & Wagner, 1990: 2-44؛ مصاحبه با حبیب‌الله سیاری روزنامه شرق ۸ شهریور ۱۴۰۲). همچنان‌که در نمودار ۱۳ مشخص است، مؤلفه «تغییر در توازن قدرت بین دو کشور»، در بین ۱۸ مؤلفه، با امتیاز ۶۰، رتبه دهم را دارد. از این رو می‌توان به تأثیر متوسط آن از منظر همه پژوهشگران اعتقاد داشت. در بین سه گروه پژوهشگر، فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی به تأثیر زیادتر این مؤلفه بر وقوع جنگ اعتقاد داشته‌اند و این موضوع به‌صراحت در مصاحبه فرماندهان نظامی این کشور ذکر شده است. پژوهشگران ایرانی و غربی به نسبت پژوهشگران عراقی، به تأثیر متوسط این مؤلفه بر جنگ تحمیلی اعتقاد داشته‌اند.

نمودار ۱۳: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه تغییر در توازن قدرت بین دو کشور)

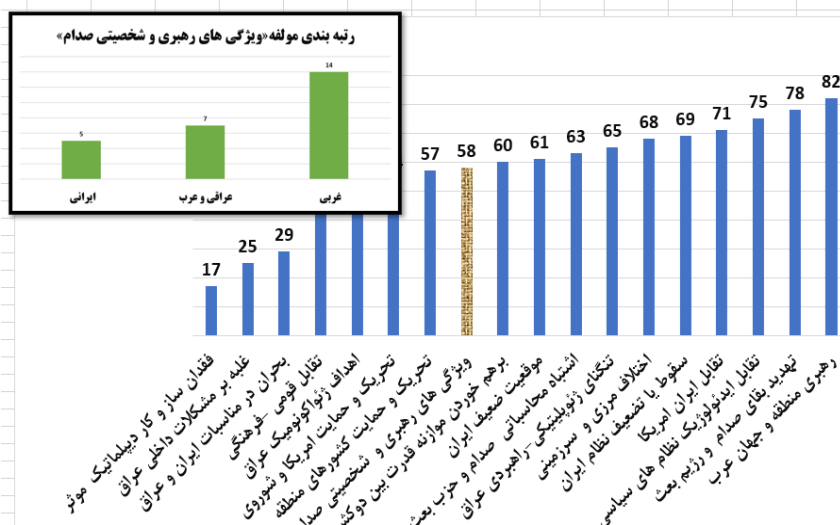


۱۱-۱- مؤلفه «رهبری و ویژگی‌های شخصیتی صدام»:

ویژگی‌های روانی رهبران نقش مهمی در مدیریت کلان کشور، کسب وجهه و پیوند نزدیکی با قدرت و مشروعیت دارد (Knorr, 1970; Gilpin, 1981: 31) و به استناد گفته فروئیلیچ در اغلب جنگ‌ها اعتماد به نفس نظامی بیش از حد طرف آغاز کننده جنگ، نقشی اساسی در وقوع جنگ داشته است (لوی و فروئیلیچ، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در پژوهش‌های مرتبط با جنگ عراق با ایران نیز برخی از اندیشمندان ویژگی‌های شخصیتی-روانی صدام چون ماجراجویی، بلندپروازی، جنگ‌طلبی، قدرت‌طلبی، روحیه تلافی و انتقام به‌خاطر احساس حقارت در پذیرش قرارداد الجزایر و نیاز روانی شدید به کسب وجهه و اعتبار سیاسی را به‌عنوان یکی دیگر از عوامل اصلی شروع جنگ توسط عراق مطرح می‌کنند (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰؛ دانوپولس و شیرخانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۲۱؛ E.Stout, Woods, 2010: 58؛ العلوی، ۱۹۹۵: ۱۱۱؛ اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۰ و...). همچنان‌که در نمودار ۱۴ نشان داده شده، مؤلفه «رهبری و ویژگی‌های شخصیتی صدام» در بین ۱۸ مؤلفه با ۵۸ امتیاز رتبه یازدهم را به خود اختصاص داده است. به‌عبارت دقیق‌تر، از منظر پژوهشگران، این مؤلفه در بین ۱۰ مؤلفه تأثیرگذار اول قرار ندارد و نقش متوسطی در وقوع جنگ داشته است.

همچنین در مقام مقایسه بین سه گروه از پژوهشگران؛ پژوهشگران غربی نسبت به تأثیر این مؤلفه بر وقوع جنگ تحمیلی نسبت به دو گروه دیگر، اعتقاد بیش تری داشته‌اند، به‌طوری‌که در بین ۱۸ مؤلفه تأثیرگذار بر وقوع جنگ تحمیلی از نظر غربی‌ها این مؤلفه رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است، درحالی‌که پژوهشگران عراقی و ایرانی با اختلاف زیاد با گروه قبل، به تأثیر کمتر این مؤلفه اعتقاد داشته‌اند.

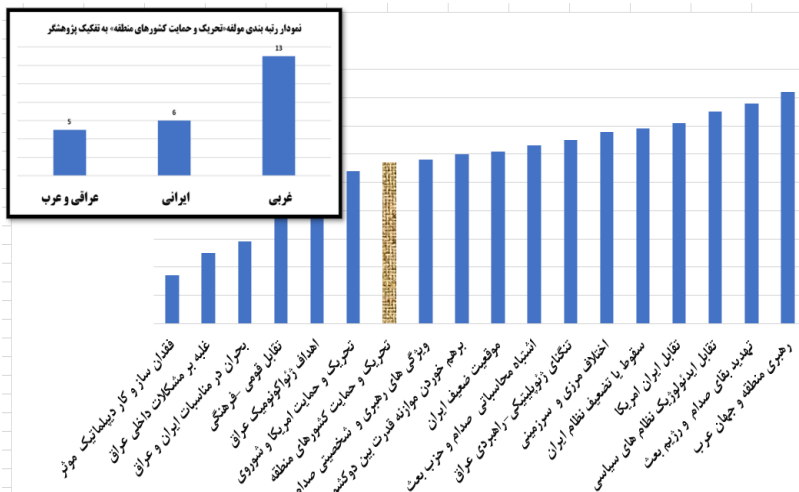
نمودار ۱۴: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه رهبری و ویژگی‌های شخصیتی صدام)



۱۲-۱- مؤلفه «تحریک و حمایت کشورهای منطقه از عراق»:

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای عربی منطقه، به‌ویژه عربستان و کویت، از ترس تهدید انقلاب و تأثیر آن بر رژیم‌های خود، از تهاجم عراق به ایران حمایت کردند. این حمایت به دلیل نگرانی از صدور انقلاب اسلامی و تهدیداتی چون چالش مشروعیت حاکمان سستی و تأثیرگذاری امام خمینی بر شیعیان منطقه بود. ایران با تبلیغات خود، مفهوم اسلام ناب را ترویج داد که این امر باعث ترس کشورهای عربی از تغییرات سیاسی شد (دانوپولس و شیرخانی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). همچنین، اندیشه صدور انقلاب باعث شکل‌گیری جبهه‌ای مشترک از کشورهای عربی و غربی علیه ایران شد (متقی، ۱۳۷۹: ۷۰). به اعتقاد برخی از پژوهشگران جنگ تحمیلی، ترغیب و حمایت کشورهای منطقه از عراق، مؤلفه مؤثری در بروز جنگ بین دو کشور بوده است. همچنان‌که در نمودار ۱۷ مشخص است، مؤلفه «ترغیب و حمایت کشورهای منطقه از عراق» با امتیاز ۵۷، رتبه دوازدهم را دارد. رتبه ۱۲ این مؤلفه در بین مؤلفه‌های هجده‌گانه، نشان از

تأثیرگذاری متوسط آن دارد. همچنین در مقام مقایسه بین سه گروه، پژوهشگران غربی نسبت به پژوهشگران ایرانی و عراقی اعتقاد بیش تری به تأثیرگذاری این مؤلفه بر جنگ تحمیلی داشته‌اند نمودار ۱۵: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه تحریک و حمایت کشورهای منطقه)

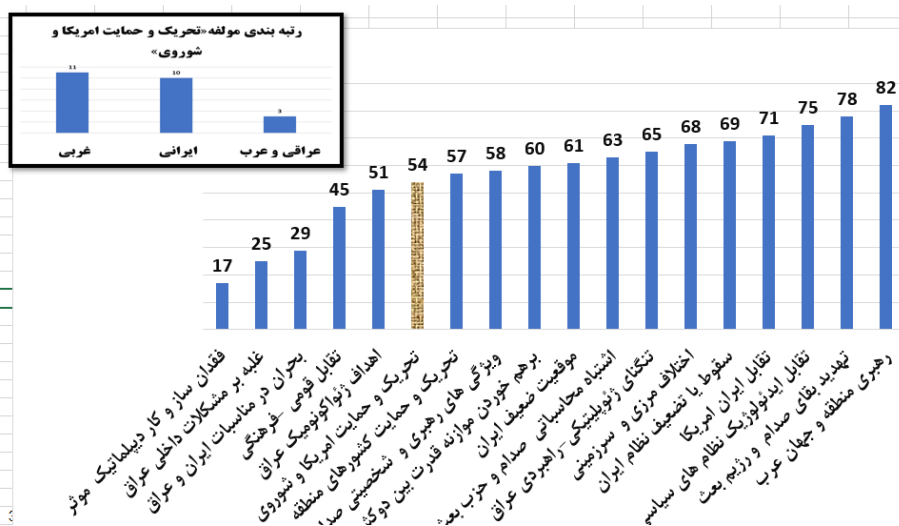


۱۳-۱- مؤلفه «تحریک و حمایت نظام قدرت جهانی (آمریکا و شوروی) از عراق»:

نظام جهانی قدرت، در هر مقطع زمانی دارای ساختارهای متفاوتی است، مانند تک‌قطبی و دوقطبی. در ساختار دوقطبی، انقلاب‌ها بحران و جنگ به‌وجود می‌آورند، زیرا قدرت‌های بزرگ در تلاشند تا از یک‌سو کنترل بازیگران را در دست گیرند و از سوی دیگر منابع را کنترل کنند (روزنا، ۱۳۸۰: ۳۸). انقلاب اسلامی ایران نظم جهانی را به چالش کشید و باعث شد ایران از دایره بلوک غرب خارج شود و علیه سلطه دو ابرقدرت ایستادگی کند (درویشی، ۱۳۹۵: ۲۵). در این چارچوب، همکاری ضمنی آمریکا و شوروی در حمایت از عراق برای مقابله با ایران قابل تفسیر است (عباسی اشلقی، ۱۳۸۳: ۵۴۴). پژوهشگرانی که به تحلیل جنگ عراق با ایران پرداخته‌اند نیز در توجیه حمایت دو ابرقدرت از حمله عراق به ایران، بر مواردی چون ماهیت ضداستکباری و ضدسلطه نظام انقلابی ایران، تقابل نظام اسلامی با قدرت‌های برتر نظام دوقطبی (سیاست نه شرقی، نه غربی)، تقابل انقلاب اسلامی با ایدئولوژی کمونیسم، موضع خصمانه ایدئولوژی سیاسی غرب در مواجهه با ایدئولوژی اسلام سیاسی نوین تاکید کرده‌اند (افشردی در مصاحبه با خبرگزاری فارس ۱۳۹۳/۷/۴؛ رضایی، ۱۳۹۰: ۴۵؛ Hooglund, 1982: 42؛ نطاق‌پور و شاهقلیان، ۱۴۰۰: ۳۲۲؛ Goodman, 2023: 4). نمودار ۱۶ وضعیت رتبه‌بندی مؤلفه «تحریک و حمایت آمریکا و شوروی

از عراق» را در بین ۱۸ مؤلفه نشان می‌دهد. این مؤلفه با امتیاز ۵۴، رتبه سیزدهم را به خود اختصاص داده است. امتیاز نسبتاً پایین و رتبه سیزدهم این مؤلفه نشان می‌دهد، از منظر پژوهشگران حمایت و تشویق دو ابرقدرت تأثیر زیادی بر آغاز جنگ نداشته است، اگرچه یافته‌های پژوهشی گویای آن است که هر دو ابرقدرت بعد از شروع جنگ تحمیلی، حمایت‌های زیادی از عراق داشتند. همچنین پژوهشگران غربی و با اندکی اختلاف ایرانی‌ها، اعتقاد به تأثیر زیادتر این مؤلفه بر وقوع جنگ عراق و ایران داشته‌اند. در مقابل، رتبه پائین این مؤلفه نزد پژوهشگران عراقی و عرب، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیرگذاری بسیار کمتر آن است.

نمودار ۱۶: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه تحریک و حمایت آمریکا و شوروی از عراق)

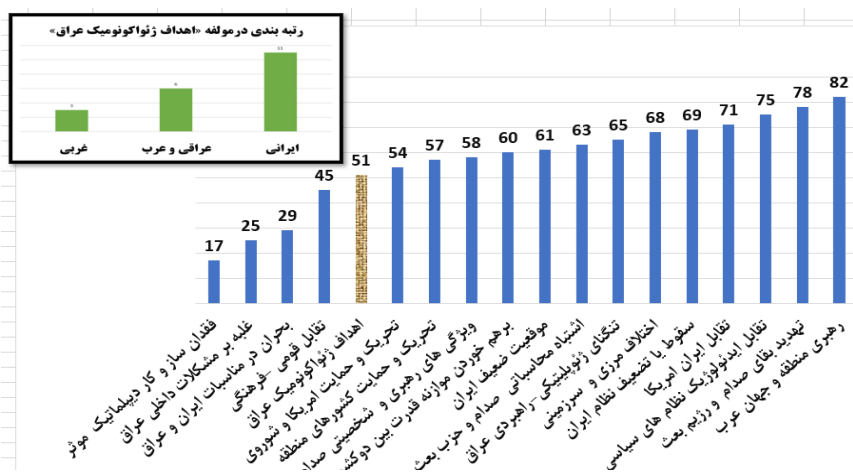


۱۴-۱- مؤلفه «اهداف و منافع ژئواکونومیک عراق»:

در برخی نظریه‌های منازعه و جنگ مانند نظریه مارکس، طبیعت و ماهیت بشر یا حکومت مشتق از طبیعت بشر نقش چندانی در منازعه و جنگ ندارد، بلکه جنگ و منازعه اساساً ریشه در اقتصاد دارد. برخی از پژوهشگران جنگ تحمیلی نیز معتقدند صدام و حزب بعث در حمله به ایران، علاوه بر اهداف کلان ژئوپلیتیکی، اهداف و منافع اقتصادی چون دستیابی به منابع غنی نفتی خوزستان، دسترسی به آب‌های آزاد، استفاده از قابلیت‌های بندری استان خوزستان برای توسعه قدرت اقتصادی دریا محور، حاکمیت کامل بر اروندرود و منافع اقتصادی را مد نظر داشتند (ولایتی، ۱۳۸۰: ۶۰-۱۵؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۲۷؛ افشردی در مصاحبه با خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳/۷/۴؛ مرادپیری و حشمتی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۳؛ علی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷-۱۵؛

Dawisha, 1980: 14؛ السامرای، ۱۳۹۳: ۴۹-۴۸؛ زاجرل، ۱۳۸۹: ۱۱۱). پژوهشگران در مورد تأثیر اهداف ژئواکونومیک در حمله نظامی عراق به ایران، اعتقاد به تأثیر کمتر این مؤلفه نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارند، همچنان‌که در نمودار ۱۷ نشان داده شده، این مؤلفه در بین ۱۸ مؤلفه تأثیرگذار، با امتیاز ۵۱ در رتبه چهاردهم قرار دارد. البته پژوهشگران ایرانی نسبت به تأثیر بیشتر این مؤلفه اعتقاد داشته‌اند، لکن پژوهشگران غربی و به‌ویژه پژوهشگران عراقی به تأثیر خیلی کم این مؤلفه بر بروز جنگ اعتقاد داشته‌اند.

نمودار ۱۷: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه اهداف و منافع ژئواکونومیک عراق)

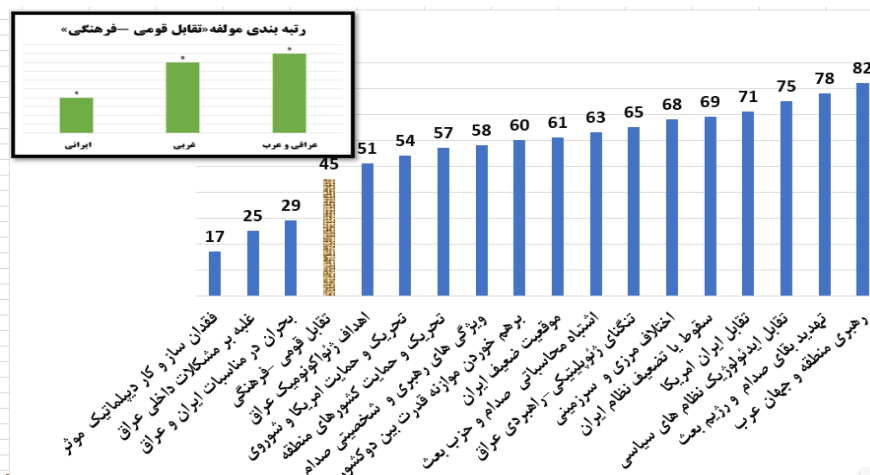


۱۵-۱- مؤلفه «تقابل قومی - فرهنگی دو کشور»:

به اعتقاد برخی اندیشمندان، رقابت‌ها و گاه تقابل‌های قومی و فرهنگی دو کشور همسایه (ایران و امپراتوری عثمانی و سپس ایران و عراق) یکی دیگر از عوامل مؤثر بر منازعه بین دو طرف در طی تاریخ بوده است. رژیم بعثی نیز برای تشدید تقابل دو کشور و آمادگی برای تهاجم نظامی به ایران و همچنین همراه ساختن ملت‌ها و دولت‌های عرب منطقه، تلاش کردند از این اختلافات قومی و فرهنگی به نفع خود استفاده نمایند. بدین ترتیب رژیم حاکم بر عراق با طرح مباحثی چون رقابت و منازعه تاریخی عرب و عجم، بازنمایی رویدادهای تاریخی مانند نبرد قادسیه و گسترش موج پان‌عریسم و... به تشدید تقابل دو ملت پرداختند که می‌توان این عوامل را در قالب یک مقوله کلی تحت عنوان «تقابل قومی - فرهنگی دو کشور» طرح کرد. با مراجعه به نمودار ۱۸ مشخص است که این مؤلفه در بین ۱۸ مؤلفه، با امتیاز ۴۵، رتبه ۱۵ را به خود اختصاص داده است. درواقع، از منظر پژوهشگران تأثیر این مؤلفه در جنگ تحمیلی در حد کم ارزیابی شده

است. البته مانند مؤلفه‌های قبل، بین سه گروه پژوهشگر (ایرانی، عراقی و غربی) در اهمیت و تأثیرگذاری این مؤلفه اختلاف نظر وجود دارد. فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی و عرب، نسبت به دو گروه دیگر، تأثیر مؤلفه «تقابل قومی - فرهنگی دو کشور» را زیاده‌تر ارزیابی نمودند و پس از آن پژوهشگران غربی با اختلاف کمی در رتبه دوم قرار دارند، لیکن از منظر فرماندهان نظامی و پژوهشگران ایرانی، تأثیر این عامل خیلی کم ارزیابی شده است.

نمودار ۱۸: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه تقابل قومی - فرهنگی دو کشور)

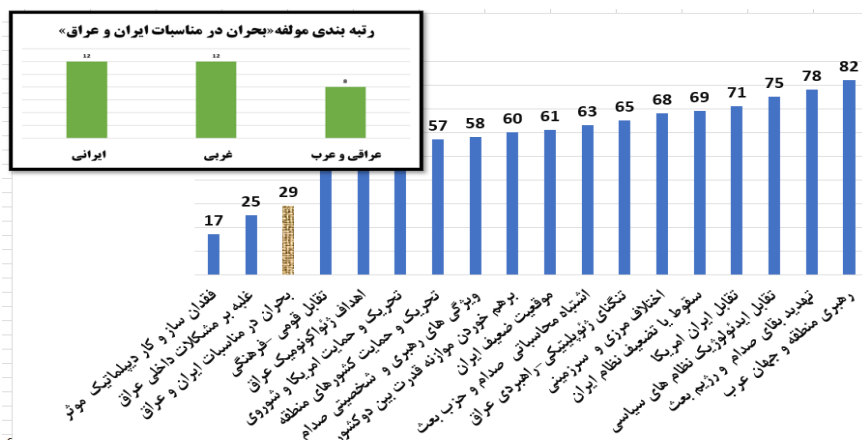


۱۶-۱- مؤلفه «بحران در مناسبات دو کشور»:

جنگ دارای علل و زمینه‌های دوردست و همچنین علل نزدیک به زمان وقوع است. به نظر می‌رسد شروع جنگ عمدتاً بعد از ایجاد بحران در مناسبات دو کشور به وقوع می‌پیوندد. به عقیده پژوهشگران جنگ عراق و ایران، مجموعه عواملی که ماه‌ها قبل از وقوع جنگ، منجر به بروز بحران در مناسبات رسمی دو کشور شد، نقش مؤثر (بهانه) در بروز جنگ داشته است. پژوهشگران در این زمینه به این عوامل اشاره کرده‌اند: ادعای عراق در حمایت ایران از شیعیان و گروه‌های مخالف عراق، ادعای نقش ایران در ترور مقامات عراق، حمایت عراق از گروه‌های ضدانقلاب (کرد) و افزایش شدید درگیری‌های مرزی بین دو طرف (King & Karsh, 2006: 29؛ ترفنون و ایشروود، ۱۳۸۲: ۱۹۴؛ وودز و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳؛ بهروزی، ۱۳۸۴: ۷۵؛ اردستانی، ۱۳۹۴: ۵). همچنان‌که در نمودار ۱۹ نشان داده شده، مؤلفه «بحران در مناسبات دو کشور» در بین ۱۸ مؤلفه با امتیاز ۲۹، رتبه شانزدهم را به خود اختصاص داده است. امتیاز خیلی کم این مؤلفه و قرار گرفتن آن در رتبه‌های آخر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جنگ، نشان‌دهنده تأثیر خیلی کمتر این مؤلفه نسبت به مؤلفه‌های دیگر است. همچنین در مقایسه

بین سه گروه، پژوهشگران ایرانی و غربی نسبت به پژوهشگران عراقی و عرب، به تأثیر بیش تر این مؤلفه معتقد بوده‌اند. به نظر می‌رسد از دید پژوهشگران ایرانی و غربی، در این مؤلفه، رژیم صدام از عواملی چون تشدید درگیری‌های مرزی و همچنین ادعای دخالت ایران در امور عراق، به‌عنوان بهانه‌هایی برای بحرانی کردن مناسبات دو کشور و مقدمات شروع جنگ استفاده کرده است. بدین سبب، پژوهشگران غربی و ایرانی به تأثیر بیش تر این مؤلفه نسبت به پژوهشگران عراقی و عرب اعتقاد دارند.

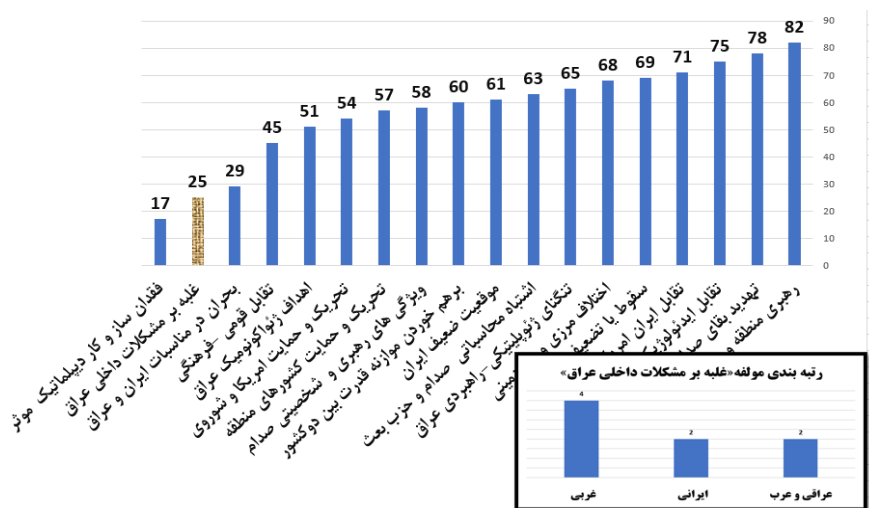
نمودار ۱۹: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه بحران در مناسبات ایران و عراق)



۱۷-۱- مؤلفه «غلبه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی عراق»:

کشورهایی که با مشکلات داخلی مواجه هستند، برای مواجهه با این مشکلات و خرید زمان برای مدیریت بهتر امور، تهدیدی بیرونی را برای ملت و کشور تعریف می‌کنند. به اعتقاد برخی از پژوهشگران، از جمله مؤلفه‌های مؤثر بر تصمیم عراق در حمله نظامی به ایران، تلاش شخص صدام و حزب بعث برای غلبه بر مشکلات داخلی بود. از جمله عواملی که در این زمینه توسط پژوهشگران مطرح شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: تقویت سلطه حزب بعث بر دولت و ملت عراق، تعدد قومیت و مشکل همگرایی ملی، مخالفت احزاب و گروه‌های شیعه عراق با سیاست‌های حزب بعث، سنی بودن حزب حاکم و رقابت‌های قدرت در داخل حزب بعث و این موارد در قالب فرایند مقوله‌سازی، تحت عنوان مؤلفه «غلبه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی عراق» قابل طرح است (زرقانی، ۱۴۰۱: ۲۳۸). نمودار ۲۰ وضعیت رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ را براساس دیدگاه پژوهشگران نشان می‌دهد. مؤلفه «غلبه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی عراق» در

بین ۱۸ مؤلفه، با امتیاز ۲۵ در رتبه هفدهم و قبل از رتبه آخر قرار دارد. از این رو می‌توان گفت به اعتقاد اکثر پژوهشگران جنگ تحمیلی، این مؤلفه تأثیر خیلی کمی بر وقوع جنگ داشته است. نمودار ۲۰: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مؤلفه غلبه بر مشکلات داخلی عراق)

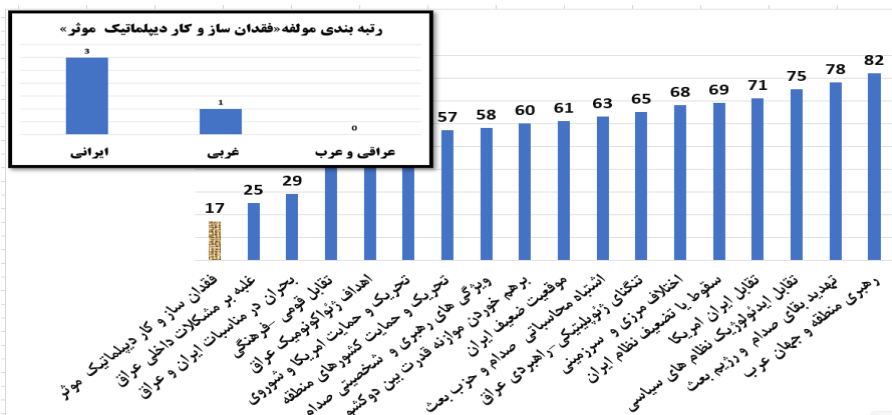


۱۸-۱- مؤلفه «فقدان سازوکار دیپلماتیک مؤثر»:

سیاست خارجی شامل تدابیر و ابزارهای تحقق اهداف کلان نظام سیاسی در مسائل بین‌المللی است (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۲). جنگ به‌عنوان آخرین ابزار در صورت شکست دیپلماسی مطرح می‌شود (کلازویتس، ۱۳۸۹: ۸۷). در جنگ ایران و عراق، سه عامل مهم در شکست دیپلماسی ایران مؤثر بود: ضعف شورای امنیت، عدم توانایی دیپلماسی ایران به‌دلیل آشفتگی‌های داخلی، و رویکرد ضعیف سیاست خارجی (شهسواری، ۱۴۰۰: ۱۱۹). عراق با رویکرد میلیتاریستی و دیپلماسی فعال زمینه‌های جنگ را فراهم کرد (اکبرپور بازرگانی، ۱۳۹۱: ۲۳). پژوهشگران دفاع مقدس ضعف دیپلماسی در پیشگیری از جنگ را به فقدان اراده نظام بین‌الملل، نبود نظام منطقه‌ای برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات، دیپلماسی ضعیف ایران، و خط‌مشی تهاجمی حزب بعث نسبت داده‌اند. (درویان، ۱۳۹۵: ۶۴-۶۱؛ لوی و فروئلیچ، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۲۶ تورز و دیفرونزو، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۷۷؛ نطق‌پور و شاهقلیان، ۱۴۰۰: ۳۲۵: Frankel, 2023: 21) که در این پژوهش مجموعه آنها تحت یک مقوله با عنوان «فقدان سازوکار دیپلماتیک مؤثر» سازماندهی شده است. تعداد محدودی از پژوهشگران ایرانی و غربی در دلایل وقوع جنگ تحمیلی به «فقدان سازوکار دیپلماتیک مؤثر» به‌عنوان عامل پیشگیرانه جنگ اعتقاد داشته‌اند. براین اساس و همچنان‌که در

نمودار ۲۱ مشخص است، این مولفه در بین ۱۸ مولفه با کمترین امتیاز برابر با ۱۷، رتبه آخر را به خود اختصاص داده است. هیچ کدام از پژوهشگران عراقی به تأثیر این مولفه بر بروز جنگ اعتقادی نداشته‌اند و در مورد دو گروه دیگر نیز، وضعیت تقریباً به همین گونه است.

نمودار ۲۱: رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ عراق و ایران (مولفه فقدان سازوکار دیپلماتیک مؤثر)



نتیجه گیری

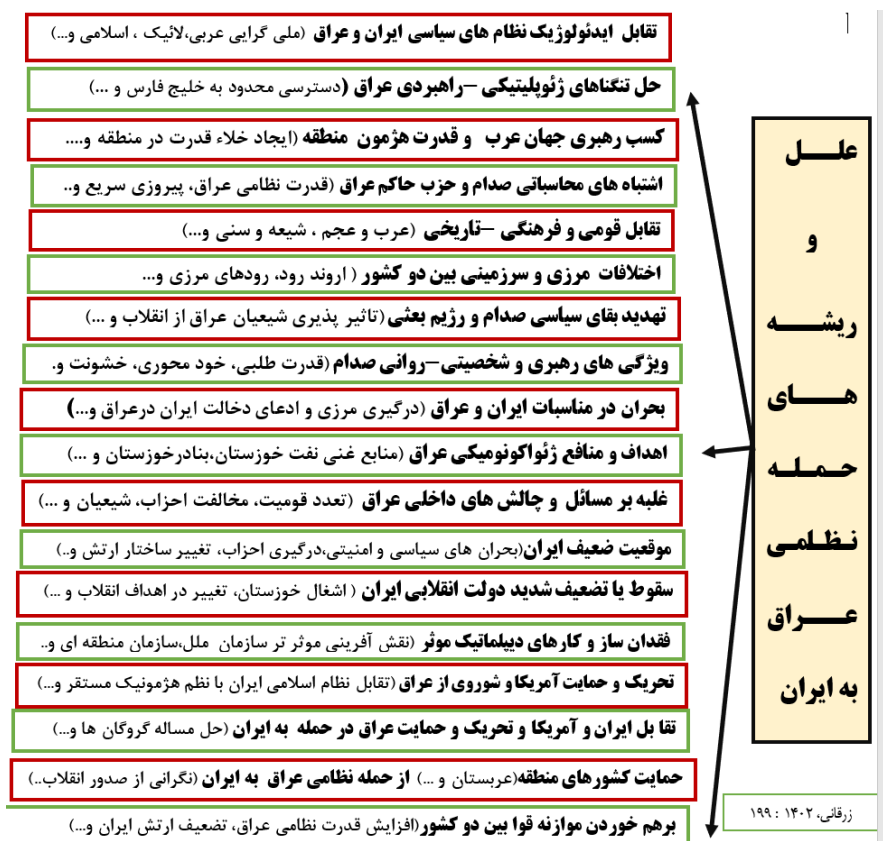
هدف اصلی این پژوهش، شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل کمی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تصمیم رژیم بعث عراق مبنی بر حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در شهریور سال ۱۳۵۹ است. در راستای تحقق این هدف کلان، دو سؤال پژوهشی اساسی به شرح زیر تدوین گردید که در ادامه مطلب به اختصار به بیان یافته های پژوهش و پاسخ به سوالات اقدام شده است

سوال اول: با استناد به دیدگاه مکاتب فلسفی و نظریه اندیشمندان، مهمترین مولفه های

مؤثر بر حمله نظامی عراق به ایران کدامند؟

همچنانکه در بخش های قبل پژوهش توضیح داده شد، نتایج پژوهش در قالب تحلیل محتوی کیفی و فرایند مقوله سازی نشان می دهد که از منظر مکاتب فلسفی و دیدگاه اندیشمندان مجموعاً ۱۸ مولفه در حمله نظامی عراق به ایران تأثیر داشته اند. نمودار ۲۲ مولفه های ۱۸ گانه مذکور را نشان می دهد. همچنانکه در نمودار مشخص است حمله عراق به ایران نتیجه ترکیبی پیچیده از عوامل سرزمینی، ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی، امنیتی، روانی و بین المللی بوده است که در تعامل با یکدیگر، زمینه ساز تصمیم صدام و حزب بعث برای آغاز جنگ شده اند.

نمودار ۲۲: مولفه‌های اصلی مؤثر بر وقوع جنگ عراق با ایران



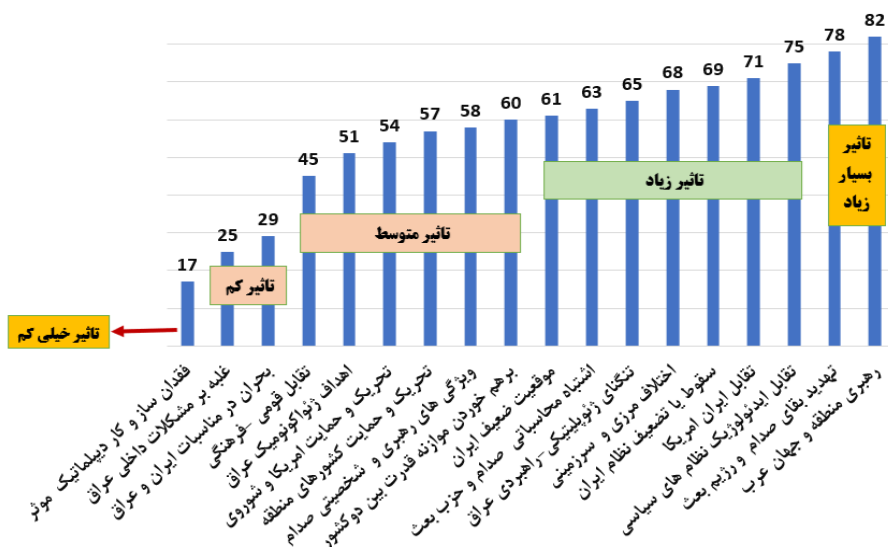
این مطالعه با رویکرد تحلیل تطبیقی، دیدگاه‌های سه جامعه علمی متمایز - محققان و تحلیلگران ایرانی، عراقی و غربی - را در مورد علل حمله نظامی عراق به ایران مورد بررسی و مقایسه قرار داد. بر این اساس سوال دوم پژوهش بدین صورت طرح شد:

سوال دوم: تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های صاحب‌نظران ایرانی، عراقی و غربی (شامل سیاست‌مداران، فرماندهان نظامی و محققان دانشگاهی) در خصوص عوامل مؤثر بر آغاز جنگ تحمیلی چه تفاوت‌ها و تشابهاتی را در رتبه‌بندی نشان می‌دهد؟

در بخش یافته‌های پژوهش، تحلیل تطبیقی رتبه‌بندی هجده مؤلفه مؤثر بر تصمیم‌گیری نظامی عراق علیه ایران، مبتنی بر دیدگاه‌های سه جامعه علمی (ایرانی، عراقی و غربی) به تکنیک هر مؤلفه انجام گرفت. برای طبقه‌بندی سطحی امتیازات مؤلفه‌ها، از روش تحلیل خوشه‌بندی استفاده شد که

این روش امکان تفکیک دقیق‌تر بر اساس طیف امتیازات و میزان تأثیرگذاری را فراهم می‌آورد. براین اساس و همچنانکه در نمودار ۲۳ نشان داده شده است، مؤلفه‌های هجده‌گانه در پنج طبقه تأثیرگذاری شامل: بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم دسته‌بندی شدند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که دو مؤلفه «رهبری منطقه و جهان عرب» و «تهدید بقای صدام و حزب بعث» از منظر هر سه جامعه علمی، بالاترین ضریب تأثیر را در تصمیم‌گیری عراق داشته‌اند. هفت مؤلفه در طبقه «تأثیر زیاد» قرار دارند که عبارتند از: تقابل ایدئولوژیک، تقابل ایران-آمریکا، سقوط یا تضعیف ایران، اختلافات مرزی-سرزمینی، تنگنای ژئوپلیتیکی عراق، خطای محاسباتی صدام و حزب بعث و در نهایت موقعیت ضعیف ایران. شش مؤلفه در طبقه «تأثیر متوسط» شامل تغییر توازن قدرت، ویژگی‌های شخصیتی صدام، حمایت ابرقدرت‌ها، حمایت کشورهای همسایه، اهداف ژئواکونومیک و تقابل قومی-فرهنگی طبقه‌بندی شدند و در پایان، سه مؤلفه باقی‌مانده در طبقه «تأثیر کم» (بحران روابط دو جانبه و غلبه بر مشکلات داخلی) و «تأثیر خیلی کم» (فقدان مکانیسم‌های دیپلماتیک مؤثر) قرار گرفتند.

نمودار ۲۳: سطح‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر جنگ عراق و ایران (همه پژوهشگران)



یکی از یافته‌های مهم پژوهش، تفاوت چشمگیر ارزیابی‌ها بر اساس ملیت پژوهشگران بود به عنوان نمونه و همچنانکه در جدول ۲ مشهود است؛ مقامات سیاسی، فرماندهان نظامی و پژوهشگران عراقی بیشترین اهمیت را به سه مؤلفه «وضعیت و موقعیت ضعیف ایران» و «سقوط یا

تضعیف نظام انقلابی» و «اشتباه محاسباتی صدام و حزب بعث» داده‌اند، در حالی که مقامات سیاسی، فرماندهان نظامی و پژوهشگران ایرانی بر سه مولفه «رهبری منطقه و جهان عرب»، «تقابل ایران و آمریکا» و «تنگنای ژئوپلیتیکی - راهبردی عراق» به عنوان عوامل اصلی حمله عراق به ایران تأکید کرده‌اند. پژوهشگران غربی نیز سه مولفه «تهدید بقای صدام و رژیم بعث»، «تقابل ایدئولوژیک نظام های سیاسی ایران و عراق» و «رهبری منطقه و جهان عرب» را در حمله عراق به ایران موثرتر ارزیابی کرده‌اند. این تفاوت‌ها بازتاب‌دهنده سوگیری‌های سیاسی، تجربه‌های تاریخی و زاویه دید هر گروه است. در مقابل، صرف نظر از تفاوت نگرش پژوهشگران، اگر اشتراک دیدگاه آنها را نشانه اهمیت و تأثیرگذاری مؤلفه‌ها بدانیم، می‌توان مؤلفه‌های زیر را به دلیل اشتراک نظر پژوهشگران در مورد آنها به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تصمیم نظام سیاسی عراق در حمله نظامی به ایران دانست: رهبری منطقه و جهان عرب؛ تقابل ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی؛ تقابل ایران و آمریکا؛ تنگنای ژئوپلیتیکی - راهبردی عراق و تهدید بقای صدام و حزب بعث

جدول ۲: مقایسه پنج مؤلفه مهم تأثیرگذار بر جنگ عراق و ایران

میزان تأثیر	عراقی و عرب	غربی	ایرانی
رتبه ۱	موقعیت ضعیف ایران	تهدید بقای صدام و رژیم بعث	رهبری منطقه و جهان عرب
رتبه ۲	سقوط یا تضعیف نظام ایران	تقابل ایدئولوژیک نظام های سیاسی	تقابل ایران آمریکا
رتبه ۳	اشتباه محاسباتی صدام و حزب بعث	رهبری منطقه و جهان عرب	تنگنای ژئوپلیتیکی - راهبردی عراق
رتبه ۴	برهم خوردن موازنه قدرت بین دو کشور	تقابل ایران آمریکا	تقابل ایدئولوژیک نظام های سیاسی
رتبه ۵	تنگنای ژئوپلیتیکی - راهبردی عراق	ویژگی های شخصیتی صدام	تهدید بقای صدام و رژیم بعث

در نهایت، نتایج پژوهش تأکید می‌کند که وقوع جنگ ایران و عراق محصول برهم‌کنش عوامل چندسطحی بوده است؛ از محاسبات فردی رهبران و ایدئولوژی‌های متعارض، تا ساختار قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی. این یافته‌ها می‌تواند درک بهتری از علل بروز جنگ‌ها در مناطق ناپایدار ارائه دهد و بر اهمیت مدیریت تنش‌ها، استفاده از سازوکارهای دیپلماتیک و پرهیز از سوءمحاسبات راهبردی تأکید کند.

منابع

- اکبرپور بازرگانی، محمد جواد (۱۳۹۱). عملکرد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در زمینه آغاز جنگ عراق علیه ایران، نگین ایران، ۴۲، ۵-۲۶.
- ابوغازاله، عبدالحلیم (۱۳۸۰). جنگ عراق و ایران، مترجم نادر نوروز شاد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب.
- اردستانی، حسین (۱۳۸۸). جنگ ایران و عراق: رویارویی استراتژی‌ها، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- اردستانی، حسین (۱۳۹۲). تاریخ شفاهی دکتر محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس، نگین ایران، ۴۶، ۵۸-۱۹.
- اردستانی، حسین (۱۳۹۴). عوامل تاثیر گذار بر فهم چیستی جنگ عراق و ایران، نگین ایران، ۵۵، ۵-۲۰.
- اردستانی، حسین (۱۳۹۷). تاریخ شفاهی دفاع مقدس، روایت سید یحیی صفوی، جلد اول، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ایزدی، بداله (۱۳۹۹). آغاز تهاجم از نگاه عراقی‌ها، نگین ایران، ۶۳، ۱۴-۲۹.
- بویه، چمران (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک و استراتژی جنگ طلبانه عراق، نگین ایران، ۳۷، ۳۵-۶۵.
- بهروزی، فرهاد (۱۳۸۴). تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۵). زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تبریزی، علیرضا (۱۳۹۳). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری، تهران: اطلاعات.
- ترفنون، کول؛ ایشروود، کول (۱۳۸۲). صدام و جنگ عراق و ایران، نگین، ۶.
- تورنر، کارلا؛ دیفرونزو، وینسنت (۱۳۹۱). استراتژی و علل تصمیم صدام در حمله به ایران و نتایج آن، ترجمه پریسا کریمی نیا، مجموعه مقالات جنگ ایران و عراق ریشه‌ها و علل وقوع، چاپ سوم، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- حاجتی، حامد (۱۴۰۰). علل و انگیزه‌های راهبردی رخداد جنگ تحمیلی، مطالعات دفاع مقدس و نیروهای معاصر، ۴(۶)، ۳۴۷-۳۷۴.
- حسینی، حسین (۱۳۹۵). بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق، مجموعه مقالات ریشه‌های تهاجم، به کوشش فرهاد درویشی، چاپ چهارم، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۴۰۱). روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۴). کارنامه و خاطرات سال ۱۳۵۹، انقلاب در بحران، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- داناوان، جروم (۱۳۹۶). جنگ ایران و عراق، پیشینه‌ها و روند تشدید تعارض، ترجمه حمید رضا جاوید زاده، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس-مرز و بوم.

دانوپولس، کنستانتین؛ شیرخانی، محمد علی (۱۳۹۲). جنگ ایران و عراق؛ نبردی فرسایشی و طولانی، ترجمه عبدالمجید حیدری، نگین ایران، ۴۵، ۱۱۹-۱۳۵.

درویدیان، محمد (۱۳۸۷). سیری در جنگ ایران و عراق، پایان جنگ. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

درویدیان، محمد (۱۳۸۳). اجتناب ناپذیری جنگ. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

درویدیان، محمد (۱۳۸۷). جنگ، بازیابی ثبات، چاپ چهارم، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

درویدیان، محمد (۱۳۹۱). پرسش‌های اساسی جنگ. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

درویدیان، محمد (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، پیش درآمدی بر یک نظریه، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

درویدیان، محمد (۱۴۰۰). نقی بر درس‌ها و دستاوردهای جنگ؛ گفت و گو با فرماندهان و مسئولان جنگ. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات

درویشی سه تالانی، فرهاد (۱۳۹۲). جنگ ایران و عراق، (پرسش‌ها و پاسخ‌ها). چاپ هشتم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

دهقان، احمد (۱۳۸۷)، ناگفته‌های جنگ، خاطرات سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، تهران: سوره مهر
رشید، غلامعلی (۱۳۸۶). تاثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق (مقطع قبل از انقلاب)، نگین ایران، ۲۳، ۴۲-۵۳

رشید، غلامعلی (۱۳۹۱). تاثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق (مقطع قبل از انقلاب). مجموعه مقالات جنگ ایران و عراق به کوشش حسن دری، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

رضائی میرفاندد، محسن (۱۳۹۰). جنگ به روایت فرمانده. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس
زرقانی، سید هادی (۱۳۹۸). در آمدی بر مقایسه قدرت ملی ایران و عراق در دفاع مقدس، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

زرقانی، سید هادی (۱۴۰۰). الگویابی اختلافات مرزی در منطقه جنوب غرب آسیا، طرح پژوهشی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

زرقانی، سید هادی؛ فاطمه بخشی شادمهری، نرگس؛ حجتی پناه، فرزاد؛ عابدی، شجاع (۱۴۰۱)، بررسی و تبیین فلسفه و ماهیت دفاع مقدس از منظر حضرت امام (ره)، مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۳)، ۳۵-۶۵
زرقانی، سید هادی (۱۴۰۲). تحلیل جنگ عراق و ایران بر مبنای نظریه‌های منازعه، طرح پژوهشی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

زاچرل، دونالد (۱۳۸۹). تاثیر انقلاب اسلامی بر ارتش ایران. ترجمه عسکر قهرمان پور، نگین ایران، ۳۳، ۱۰۹-۱۴۳.

سلیمانی خواه، نعمت الله (۱۳۹۴). تصمیم صدام به جنگ علیه ایران. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس. شهنساری، حسین (۱۴۰۰). موضع شورای امنیت در قبال جنگ ایران و عراق، نگین ایران، ۱۸ (۶۶)، ۱۱۸-۱۲۵. شمشخانی، علی (۱۳۸۳). گفتگو با امیر دریابان شمشخانی، نگین ایران، ۱۰، ۱۰-۳۱. صلاح، عمر علی، غسان، شربل (۱۳۹۱). مصاحبه با صلاح عمر علی سفیر عراق در سازمان ملل قبل از آغاز جنگ با ایران. مترجم غلامعلی رجایی، نگین ایران، ۴۱، ۱۲۱-۱۲۴. علایی، حسین (۱۳۹۱). بررسی نقش عوامل موثر بر بروز جنگ تحمیلی، نگین ایران، ۱۱ (۴۱)، ۵-۳۶. علایی، حسین (۱۳۹۹). بررسی امکان جلوگیری از وقوع جنگ عراق با ایران، نگین ایران، ۶۳، ۷۱-۵۲. علیپور، عباس، سعادت، حسن، رادمهر، محسن (۱۴۰۰). تبیین ژئوپلیتیکی عوامل تنش و منازعه در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مطالعات دفاع مقدس، ۴ (۶)، ۱-۳۱. فاضلی، محمد (۱۳۸۶). روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، تهران: نشر آگه. فولر، گراهام (۱۳۷۳). قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز. قربانی، قدرت الله (۱۳۹۰). تاملی فلسفی در علل جنگ ایران و عراق، مجموعه مقالات جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات.

قربانی نژاد، ریاز؛ حافظ نیا، محمدرضا؛ احمدی پور، زهرا؛ قوام، عبدالعلی (۱۳۹۶). تبیین سرچشمه‌های تنش و منازعه عراق علیه ایران بر اساس الگوی هایپوتیتکا، مطالعات دفاع مقدس، ۳ (۴)، ۹-۲۲. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۷). اصول سیامانست خارجی و سیاست بین الملل. چاپ ۲۲، تهران: سمت. قوام، عبدالعلی؛ روان‌بد، امین (۱۳۹۴). تبیین جنگ عراق علیه ایران: تأملی بر نقش علی مبارزه برای شناسایی، راهبرد، ۲۴ (۷۵)، ۱۶۹-۱۸۹.

کلوزویتس (۱۳۸۹). نظریه جنگ رامین جهان‌گلو، تهران: انتشارات هرمس. کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۷). ملاحظاتی در باره ریشه‌های جنگ هشت ساله، نگین ایران، ۲۷، ۹-۲۸. کیانی، وحید؛ قیاسی، منصور (۱۴۰۰). خوانش ژئوپلیتیکی از نقش عوامل منطقه‌ای، فرماندهی و بین المللی در آغاز، تداوم و پایان جنگ تحمیلی، نگین ایران، ۱۸ (۶۶)، ۱۵۰-۱۶۵.

کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.

لوی، جک اس؛ فروئلیچ، مایک (۱۳۹۰). علل وقوع جنگ ایران و عراق، ترجمه یعقوب نعمتی، نگین ایران، شماره ۳۷، ۱۱۷-۱۳۲.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۳). کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس. ترجمه حمیدرضا ملک محمد نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه

محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مراد پیری، هادی، حشمتی جدید، مهدی (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای راهبرد جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ از دیدگاه فرماندهان دوران دفاع مقدس، سیاست دفاعی، ۲۵ (۹۷)، ۳۶-۹.

متقی، ابراهیم (۱۳۷۹). استراتژی موازنه منطقه‌ای آمریکا در جنگ ایران و عراق، سیاست دفاعی، ۸ (۳۱)، ۶۸-۷۳.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). نظام دو قطبی و جنگ عراق و ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، یحیی رحیم صفوی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

نطاق‌پور نوری، مهدی؛ شاهقلیان قهفرخی، رضا (۱۴۰۰). جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در نگرش اندیشمندان دفاعی و امنیتی، مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۳ (۵)، ۳۰۳-۳۲۷.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

وودز، کوین، ام، ویلیامسون مورای، الیزابت آ. ناتان، لیلا سابار، آنا ام. ونگاس (۱۳۹۳). جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام، ترجمه عبدالحمید حیدری، انتشارات مرز و بوم.

هرسیج، حسین (۱۳۸۱). تجزیه و تحلیل و ارزیابی سیاست مهار دو جانبه، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی، ۱۲۸-۱۲۹.

- Azhary, M.S. (2011). The Iran-Iraq War. London and New York: Published Routledge.
- Blainey, Geoffrey. (1973). The Causes War. New York: Free Press.
- Cordesman, Anthony H. (1982). "Lessons of the Iran-Iraq War: The First Round," Armed Forces Journal International, n.119, p 32-47.
- Cordesman, A.H. & Abraham Wagner R.W. (1990). The Lessons of Modern Wars (The Iran-Iraq War), Boulder: Westview Press.
- Dawisha, Adeed. (1980). "Iraq: The West's Opportunity," Foreign Policy. 41.
- Frankel, Joseph. (2023). Wars, Battles & Armed Conflicts, cases of war. Encyclopedia Britannica.
- Field, M. (1994). Inside the Arab World, Harvard: Harvard University Press.
- Gilpin, Robert. (1981). War and change in World Politics. New York: Cambridge University Press, pp.30
- Goodman, Paul. (2023), The 8 Main Reasons for War. <https://owlcation.com/social-sciences>.

- Gulick, Edward Vose. (1955). *Europe's Classical Balance Power*. New York: Norton.
- Hoffmann, Stanley. (1965). *The Stale War*. New York: Praeger.
- Hooglund, E. (1982). The Land Reform and the Transformation of the Peasantry in Iran. *Iranian Studies*, 15(1-4), 21-48.
- King, Ralph & Karsh Efraim. (2006). *The Iran-Iraq War and the First Gulf War*. Routledge.
- Knorr, Klaus. (1970). *Military Power and Potential*. Lexington, Mass.: D.C. Heath.
- Mearsheimer, John and Walt, S.M. (2003). "An Unnecessary War," *Foreign Policy*, No, 134, p. 50-9.
- Prescott, J. R. V., & Triggs, G. (2008). *International Frontiers and Boundaries: Law, Politics and Geography boundary*. Boston: Martinus Nijhoff.
- Stoessinger, John. (1982). *Why Nations Go to War*. 2nd ed. New York: St. Martin's Press.
- Woods, Kevin, mark E. Stout. (2010). *Research Note: New Source for the Study of Iraqi Intelligence During the Saddam Era*. *Intelligence and National Security*.